

بسم الله الرحمن الرحيم

زندگی بافتن یک قالی است
به همان نقش و نگاری که خودت می خواهی
نقشه را اوست که تعیین کرده
نقشه را خوب ببین
نکند آخر کار قالی زندگیت را نخورند

دانشگاه سیستان و بلوچستان

دانشکده هنر و معماری

گروه فرش

تاریخ فرش جهان

(جلسه پانزده: فرش ترکمنستان)



Türkmenistan

پدیدآورنده: حمیدرضا میرابی مقدم

بهار ۱۳۹۹

مقدمه:

واژه ترکمنستان از ریشه ترکی به معنای «ترک مانند» نخستین بار در باره اقوامی از قبایل ترک که مسلمان شده بودند، به کار رفت. این قبایل بخشی از ترکان اوغوز بودند که در حدود سده چهارم ق. به مرزهای ماوراءالنهر رسیده بودند و در سرزمین‌های شمال رود سیحون و دریاچه آرال می‌زیستند و باج‌گزار دولت سامانی بودند. سپس به تدریج به ماوراءالنهر و خراسان وارد شدند. غزها در دهه دوم سده پنجم ق. از جیحون گذشتند و وارد ماوراءالنهر و خراسان شدند و با وجود درگیری‌های فراوان با غزنویان، به تدریج در این منطقه ساکن گشتند و شماری از آنان، یعنی سلجوقیان، با شکست دولت غزنوی در نبرد دندانقان به سال ۴۳۱ ق. حکومتی بزرگ تشکیل دادند و سراسر ایران را تصرف کردند. پس از حکومت سلجوقیان، سرزمینی که امروزه خاک کشور ترکمنستان را تشکیل می‌دهد، مدتی حکومت خوارزمشاهیان (۴۹۰-۶۲۸ ق.) را از سر گذراند و در سده هفتم ق. با حمله مغول زیر سلطه ایلخانان درآمد و در سده هشتم ق. حکومت تیموریان (۷۷۱-۹۱۳ ق.) را تجربه کرد. در سده نهم ق. و دهم ق. / چهاردهم و پانزدهم م. اقوامی از ترکان اوغوز به این سرزمین کوچ کردند و قومی را تشکیل دادند که با عنوان ترکمنستان شناخته می‌شود. این واژه در کاربرد تازه خود بیشتر بدانان اشاره دارد. از جمله این قبایل، می‌توان به قبایل ارزای، گوکلان، سالور، ساریق، تکه، و یموت اشاره کرد که امروزه در کشور ترکمنستان ستان و مناطق ترکمنستان نشین ایران سکونت دارند.

۱- افسانه‌ای در باره قالی ترکمن

هیچ کس نمی‌داند که این حقیقت است یا خیال پردازی، واقعیت است یا قصه...؟ حال گوش کنیم و بعداً ببینیم. بین مردم ترکمن افسانه‌ای هست در باره اینکه زنی سالخورده، قبیله خود را از هلاکت نجات داده است. در نزدیکی شهر مرو، در منطقه‌ای صحرایی، طایفه‌ای کوچک با چهارصد خانوار زندگی می‌کرده‌اند. روزی از روزها این شایعه در همه جا پیچید که لشکر بزرگ خلیفه سوم از طریق این روستا به سوی مرو در حرکت است و مردم این روستا اولین مانع بر سر راه آنهاست. مردهای این طایفه با ریش سفیدان قبیله به مشورت نشستند که: چه باید کرد؟ یکی گفت: باید بچه‌ها، زن‌ها و پیرمرد‌ها را به عمق صحرا بفرستیم و خودمان باید تا آخرین قطره خون، با دشمنان بجنگیم. دیگری گفت: اما تعداد ما در مقابل لشکر امیر خیلی کم است. و برخی هم گفتند: بهتر آنست که زمین خود را ترک و به دل صحرا بزنیم.

یکی از ریش سفیدان گفت: این کار درستی نیست. اگر وطن نابود شود، به مانند آنست که ماه و خورشید هم نابود شده! در این لحظه، زنی سپید موی و سالخورده که در آن مجلس نشسته بود، گفت: «شما به جنگ

با خلیفه نروید! می‌خواهم خودم تنها پیش بروم!» مردها از حرفهای او تعجب کردند ولی گذاشتند تا حرفهایش را بزنند. مگر نمی‌گویند که نزد خدا کار خیر از هزار حرف بالاتر است. زن سالخورده کوشید ریش سفیدان را با حرفهای خود متقاعد سازد. اما ریش سفیدان با سکوتی سنگین، به حرفهای زن گوش داده و چیزی به او نگفتند. زن رفت. ریش سفیدان بعد از رفتن زن، مجلس خود را ادامه دادند. یکی از آنان گفت: «تا زمانی که نفس می‌کشیم، زنده ایم و امید در ما زنده است.» در پایان جلسه، ریش سفیدان تصمیم گرفتند که منادی هایی به شهرها و روستاهای اطراف بفرستند و از همسایگان درخواست کمک نمایند. آن زن سالخورده به خانه خود برگشت و جلوی دار قالی نشست و بافتن قالی را که چند سالی بود که بافت آن به طول کشیده بود، ادامه داد. برآستی این چه قالی حیرت انگیزی بود که بافت آن، این همه به طول کشیده بود! پیرزن شبها و روزهای زیادی برای بافتن این قالی که نشانه شکوه زندگی بود، زحمت کشید. در آن دوران، زنان هر نقشی را که می‌خواستند (از جمله انسان، پرندگان، حیوانات، جویبارها و باغهای قشنگ) را بر روی قالی می‌بافتند. پیرزن نیز این قالی زیبا را همچون خود زندگی، داشت می‌بافت. در زمینه اصلی قالی، آن سرزمین زیبا تصویر شده بود: در یک طرف آن، ریش سفیدان استراحت می‌کردند. بچه‌ها بازی می‌کردند. در آسمان بی‌ابر، خورشید با محبتی سرشار، نور خود را به آن سرزمین می‌افشاند. در تنورهایی که زنان در آن نان می‌پختند، زبانه آتش، شادمانه بازی می‌کرد. در جویبارها آب شرشر جریان داشت. پرندگان به شیرینی و شگفتی آواز می‌خواندند. چوپان نی می‌زد. زنها لباسهای رنگارنگ پوشیده و برای عروسی تدارک می‌دیدند. اما در طرف دیگر قالی، این سرزمین زیبا، آتش گرفته بود و خورشید در دودی سیاه گم شده است. سربازان دشمن، سوار بر اسب، مردم بی‌گناه و بی‌پناه را با نیزه می‌زنند. کودکی به زمین خورده و گریه می‌کند. چشمانش به بیکرانه نگاه می‌کنند و مثل آنست که با ملامت می‌گوید. برای چی من باید بمیرم؟ آن طرفتر یکی از سربازان، پیرمردی را زجر می‌دهد، یکی دیگر گیسوان دختر نوجوانی را محکم گرفته و بر زمین کشان کشان می‌برد. اسب سواران در مقابل نگاه کودکان، بر جنازه‌های مردم اسب می‌تازند. رنگ آسمان سیاه و آتشگون شده است. خورشید که سرچشمه روشنایی و زندگی است، عاجز شده و نور آن تیره و گرفته گردیده و آب در جویبارها با خون مخلوط شده است. آخرین گره قالی زده شده است. زن بلند شد و از آلاچیق بیرون آمد. از دور صدای سم اسبهای لشکر خلیفه شنیده می‌شود و ابرهای سیاه و مصیبت بار نزدیکتر شده‌اند. فرصت انتظار به پایان رسید. زن به آلاچیق برگشت. قالی را گرفت و از آلاچیق بیرون آمد. او به آرامی رفت و به بلندترین تپه صحرا رسید. از آنجا به سمتی که صدای سم اسبها را شنیده بود، نگاه کرد. اسب سواران نزدیکتر شدند. خلیفه سوم، خود در جلوی لشکر، سوار بر اسب بود. پیرزن، قالی را زیر سمهای اسب خلیفه پهن کرد. اسب از ترس به خود لرزید.

- این چیست؟!

خلیفه به پایین نگاه کرد و روستای آتش گرفته، کودکان، پیرمردها و پیرزنهای کشته شده را دید. مثل این بود که گریه و ناله بی گناهان به گوش خلیفه رسیده است. خلیفه به لرز افتاد. او تصویری از خونریزی و ضجه مردم را دید. خلیفه سر خود را بالا آورد و در مقابل خود در آن طرف قالی، زنی سالخورده و خسته را دید که به تنهایی زیر اشعه داغ آفتاب ایستاده بود. برای مدتی طولانی، آنها در آن حال ایستادند: در یک طرف قالی، خلیفه سوار بر اسب و پشت سرش هزار اسب سوار و در مقابل آنها زنی زحمتکش، مادری پیر تک و تنها ایستاده بود. در میان آن دو، یک قطعه قالی، همچون آهنگی غم انگیز که وحشتهای جنگ، مصیبت مردم و زندگی و مرگ را نقل می کرد، گسترده شده بود. خلیفه برای مدتی طولانی، قالی را نگاه کرده و به فکری عمیق فرو رفت. در دو طرف قالی، سکوتی مطلق برقرار شده است. سرانجام خلیفه به آرامی از اسب پیاده شد. زن سالخورده بی هیچ حرفی با نظر صریح و صادق به خلیفه نگاه می کرد. خلیفه گفت: «ای مادر! ای مادر زندگی! من منظور تو را فهمیدم! مرد نباید بر علیه ضعیفان وارد جنگ شود. مرا به نزد مردمت راهنمایی کن. به تو قول می دهم که مردم بی گناه را نخواهم کشت! برو و به مردم خودت بگو که شمشیرشان از غلاف بیرون نیاورند. به آنها بگو که از دین خود دست بردارند و به خدای واحد و به دین اسلام ایمان آورند. پس از پذیرفتن دین مبین اسلام، مردم کشور من با مردم کشور تو برادران مذهبی خواهند شد.» این افسانه ای بود در باره زنی سالخورده که قبیله خود را از هلاکت نجات داده است. مردم آن منطقه، دین اسلام را پذیرفتند. اما از آن روز به بعد، خلیفه بافتن تصاویر موجودات زنده بر روی قالی را ممنوع کرده و فقط برای بافتن نقوش گوناگون (گؤل) اجازه داده بود. از آن زمان، زنهای ترکمن در قالی های خود فقط نقوش قرمز رنگ را تصویر می کنند و هر نقشی که روی قالی بافته می شود، منعکس کننده افکار و آرزوهای دختران، زنان و مادران در باره زندگی و خوشبختی می باشد.

۲- معرفی کشور ترکمنستان (جهت مطالعه)

ترکمنستان (Türkmenistan) با نام رسمی جمهوری ترکمنستان کشوری در خاورمیانه و آسیا میانه است. این کشور تا سال ۱۹۹۱ با نام جمهوری شورایی ترکمنستان یکی از جمهوری های تشکیل دهنده اتحاد شوروی بود. ترکمنستان از جنوب با افغانستان و ایران، از شمال با ازبکستان و قزاقستان و از مغرب با دریای مازندران همسایه و از طریق این دریا با کشورهای جمهوری آذربایجان و روسیه نیز همسایه است. نام کشور «ترکمنستان» از دو بخش «ترکمن» و «ستان» تشکیل شده که به معنای

«سرزمین ترکمن‌ها» است. بیشتر مردم این کشور از قوم ترکمن هستند و به زبان ترکمنی (شاخه‌ای از زبان‌های ترکی تبار) صحبت می‌کنند.

۸۰٪ درصد مساحت ترکمنستان را بیابان قره‌قوم تشکیل می‌دهد. در این بیابان در هر جا که آب وجود داشته‌است روستاها و شهرهای بزرگ و پرجمعیتی به وجود آمده‌است و دارای آب و هوای خشک است؛ ولی ناحیه رشته کوه کپه داغ در جنوب کشور و نزدیکی مرز ایران آب و هوای مناسبی دارد و عشق‌آباد، مرو و سایر شهرهای مهم در این ناحیه هستند. ترکمنستان دارای منابع بزرگ گاز است که آن را به کشورهای مختلف از جمله ایران صادر می‌کند.

این کشور که مرزهای طولانی با ایران دارد به عنوان یکی از بسته‌ترین و منزوی‌ترین کشورهای دنیا شناخته می‌شود.

• تقسیمات کشوری

ترکمنستان دارای ۵ استان است:

۱. استان آخال: مرکز این استان شهر عشق‌آباد است. شهر تاریخی آب‌نو نیز در این استان قرار دارد.
۲. استان بلخان: مرکز این استان شهر بلخان‌آباد (نیت‌داغ پیشین) است. ۹۴ درصد از منابع گاز طبیعی ترکمنستان در این استان قرار دارد. در تاریخ بیهقی آمده‌است: سلطان ماضی ایشان را به بلخان کوه انداخته بود. بازنگردند از دم خصمان تا آنگاه که در کوه بلخان گریزند. به خوارزم و بلخان کوه نزدیک باشیم. در سدهٔ دهم هجری (شانزدهم میلادی) سالورهای خراسانی ساکن بلخان بودند.
۳. استان داش‌اغوز: مرکز این استان، شهر داش‌اغوز است. این استان، هشت شهرستان و یک شهر دارد.
۴. استان لباب: مرکز این استان شهر ترکمنستان‌آباد (چهارجوی) است. این استان ۱۵ شهرستان و ۳ شهر دارد.

۵. استان مرو: مرکز این استان شهر ماری است. بازمانده‌های شهر ایرانی کهن، شهر مرو نیز در این استان است. استان مرو به یازده شهرستان و یک شهر تقسیم شده است.



تصویر ۱: موقعیت ترکمنستان بر روی نقشه

۳- تاریخ کشور ترکمنستان (جهت مطالعه)

تاریخ باستانی محدوده جغرافیایی ترکمنستان امروزی از حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد با ورود اقوام ایرانی از تبار هند و اروپایی به منطقه آغاز می‌شود. تاریخ مکتوب ترکمنستان با پیروزی و فتوحات هخامنشیان در این سرزمین که جزئی از تاریخ ایران است، آغاز می‌گردد. ایرانی‌تباران این خطه جغرافیایی به صورت چادرنشینی و نیمه-ایلیاتی زندگی می‌کردند. آب و هوای خشک بیابانی و زمین‌های استپ عامل زندگی کوچ‌نشینی در آسیای مرکزی و اوراسیا بوده است؛ نوعی زندگی که پرورش و نگهداری اسب نقش بسزایی در فرهنگ و آدابشان داشته است. برخی از این اقوام شناخته شده ایرانی شامل ماساگت‌ها، سکاها، سغدها (اجداد خوارزمشاهیان) می‌باشند. ترکمنستان همواره محل گذری برای اقوام مهاجم و مهاجر جنوبی همانند تمدن‌های میان رودان، ایلام و تمدن دره سند بوده است. تاریخ مکتوب ترکمنستان با پیروزی و فتوحات هخامنشیان در این سرزمین که جزئی از تاریخ ایران است، آغاز می‌گردد. ساتراپ‌های خوارزم، پارت و مرگوش جزئی از ترکمنستان امروزی محسوب می‌شدند. بعدها پس از هخامنشیان، سلوکیان (اسکندر مقدونی)،



پرنی‌ها، هپتالیان، هون‌ها، گوک‌ترک‌ها، سرمتی‌ها و ساسانیان بر این محدوده جغرافیایی سیطره پیدا کردند. در خلال این دوران، پیروان مذهب زرتشت و بوداییان در ترکمنستان امروزی زندگی می‌کردند و این محدوده جغرافیایی تا حد زیادی تحت نفوذ و استیلای ایران بوده است.

در قرن چهارم قبل از میلاد اسکندر مقدونی آسیای مرکزی را فتح نمود و جاده ابریشم را بنیان نهاد و به این منطقه رونق اقتصادی و فرهنگی بخشی و اهمیت این منطقه را دوچندان نمود. و هشتاد سال بعد در شهر نسا پادشاهی اشکانیان پایه‌گذاری شد. و پس از اشکانیان و با روی کار آمدن ساسانیان نسا اهمیت خود را از دست نداده و از شهره‌های مهم آن دوران بود. بعدها اصلی‌ترین تاخت و تازهایی که بر تاریخ این سرزمین تأثیر عمیقی گذاشته‌اند حمله اعراب مسلمان و یورش اوغوزها بوده است. قرن هفتم میلادی با گسترش اسلام در آسیای مرکزی این منطقه به وسیله اعراب فتح و جزو ممالک اسلامی گردید. و در سال‌های با نقل مکان کردن مامون به شهر مرو این شهر به عنوان پایتخت خراسان بزرگ شناخته شد. اکثر ساکنین ترکمنستان در خلال استیلای ترکان اوغوز یکتاپرست بودند. ترکان اغوز زبان ترکی ترکمنی را با حکمرانی بر این منطقه رفته‌رفته ترویج دادند. در دوران حکومت ترکان، فرهنگ اسلام که توسط اعراب به ترکمنستان آورده شده بود با آداب و رسوم محلی ایرانی ادغام گردید و بعدها این فرهنگ مخلوط شده، به نوبه خود تحت تأثیر و تغییر زمامداران ترک نظیر دودمان سلجوقیان قرار گرفت. در طول قرون وسطی، یورش چنگیزخان و مغول‌ها ترکمنستان را ویران نمود و بعدها این ویرانی با تهاجم رقابت‌گونه تیمور و ازبک‌ها بر این سرزمین، ادامه پیدا کرد. در اواسط قرن یازدهم میلادی سلسله سلجوقیان امپراطوری خود را در ترکمنستان کنونی تشکیل و بزودی از شرق تا چین و غرب تا دریای مدیترانه گسترش داد و این شکوفایی و قدرت تا قرن دوازدهم ادامه داشت و با حمله چنگیزخان مغول استقلال امپراطوری سلجوقیان سرنگون گردید. پس از حمله مغول این سرزمین تا قرن هیجدهم و نوزدهم میلادی مورد کشمکش حکومت‌های ایران، خانات خیوه و خانات بخارا و همین‌طور افغانستان بوده که جنگ‌های زیاد موجب ویرانی و فرار بسیاری از مردم، دانشمندان و ادبا به سایر مناطق کشورهای همجوار گردیده است. جنگ‌های صفویان با ازبکان که بر خوارزم و بخارا حکومت می‌کردند در این منطقه رخ داد و موجب نابودی راه‌های تجاری و در نتیجه عقب‌ماندگی منطقه و اهالی آن شد و همچنین زمینه نفوذ تدریجی روس‌ها را در امتداد سواحل دریای خزر فراهم آورد. روش زندگی اهالی به صورت کوچ‌نشینی و

دامداری بود و در برخی مناطق باغات انگور، صیفی‌کاری و کشاورزی دیمی و گاه آبی، شکار با بازهای شکاری و ماهیگیری بود و از قرن دوازدهم تجارت آن‌ها با روس‌ها گسترش یافت.



جنگ شاه اسماعیل علیه شیبک خان حاکم خیوه و تصرف مرو به دست صفویان در ۹۱۶ ه. ق، هجوم امیر بخارا در سال ۱۰۲۷ ه. ق برای تصرف مرو، جنگ سپاه ایران و بخارا در مرغاب در سال ۱۰۴۰، شورش ترکمن‌های ناحیه تجن علیه حاکم خراسان در ۱۱۴۴ ه. ق از جنگ‌های مهم این دوران بود. در زمان حکومت شیرغازی خان بر خیوه ترکمن‌های کنار دریای خزر به او خراج پرداخته و ترکمن‌های سواحل اترک و دامنه‌های کوپت‌داغ هم به دولت صفوی خراج می‌دادند. پس از سقوط صفویه ترکمن‌ها تا جلگه گرگان را به تصرف خود درآوردند اما شیرغازی خان با سپاهیان ازبک خود ترکمن‌های کپه‌داغ، اترک و مرو را تحت تسلط خود درآورده و برای غارت ترکمن‌های جنوب اترک نیز با نادرشاه متحد شد. در سال ۱۱۲۷ ه. ق هم پتر اول تزار روسیه تأسیسات نظامی در سواحل خزر برپا کرد که به درگیری روس‌ها و حکومت خیوه منجر شد. نادرشاه پس از رسیدن به سلطنت جنگ‌هایی را برای تصرف و خراج‌گیری از این منطقه آغاز کرد و موفق به شکست سپاه خیوه و قتل ایلبارس خان حاکم خیوه و سرنگونی حکومت خوارزم شد اما حکومت نادر چند سال بیشتر به طول نکشید و سران ازبک مجدداً حکومت خوارزم را بر عهده گرفتند. پس از آن جنگ‌های خونینی بین ایلات ترکمنستان که با قاجار علیه نادر رخ داد اما علیقلی خان خواهرزاده نادر آن‌ها را سرکوب و مرو را فتح کرد. در دوران قاجار نیز یورش آقامحمدخان به ترکمن‌های سوین خان در شمال گرگان، قیام خواجه یوسف کاشغری که خود را سلطان ترکستان می‌نامید در منطقه استرآباد و گرگان‌رود علیه حکومت فتحعلی‌شاه، حمله آتانیاز حاکم خیوه به کمک طوایف ترکمن به سوی مشهد و سرخس در سال ۱۲۳۹ ه. ق، شورش قیات خان رهبر ترکمن‌های یموت جعفربای در ناحیه کمش‌تپه علیه حکومت ایران در سال ۱۲۴۲، و جنگ مرو در سال‌های

۱۲۷۶-۸ میان سپاه محمدشاه قاجار و ایلات ترکمن از مهم‌ترین منازعات نظامی این دوران است. در سال ۱۸۹۴ حکومت تزار روسیه عملاً کنترل این منطقه بدست گرفته و به امپراطوری خود ضمیمه کرد.



در سال ۱۹۱۷ با ناآرامی‌های سیاسی در روسیه، جمهوری سوسیالیستی ترکمنستان در سال ۱۹۲۴ با مرزهای کنونی اعلام و دولت تشکیل گردید. در اواخر قرن نوزدهم، ترکمنستان امروزی به شکلی اساسی به وسیله استیلا و یورش امپراتوری روسیه دچار تغییر اساسی شد و چند دهه بعد پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه با شکل‌گیری اتحاد جماهیر شوروی، از یک جامعه قبیله‌ای اسلامی به یک جامعه لنینیسمی مطلقه تبدیل شد. در هنگام فروپاشی شوروی تنها کشور آسیایی که علاقه‌ای به جدا شدن از شوروی را نداشت ترکمنستان بود زیرا سیستم اقتصادی ترکمنستان شدیداً وابسته به شوروی بود. ولی بالاخره در ۲۷ اکتبر ۱۹۹۱ از اتحادیه جماهیر شوروی جدا و در ۲۵ دسامبر همان سال در سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد. در سال ۱۹۹۱ میلادی ترکمنستان به استقلال رسید. صفر مراد نیازوف یکی از رهبران محلی کمونیست، خود را به عنوان رهبر مطلقه و بلامنازع ترکمنستان اعلام کرد. او ترکمنستان تازه استقلال یافته را به شکلی کامل، تحت اقتدارگرایی مطلق خود در آورد. او تا پایان زمامداری خود (۲۰۰۶ میلادی) که با مرگش به پایان رسید در برابر دموکرات‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی که رقیبان وی بودند، مقاومت می‌کرد. در سال ۱۹۹۱ ترکمنستان به عنوان عضو شورای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در سازمان ملل متحد درمی‌آید و لی در سال ۲۰۰۵ خود را به عنوان عضو وابسته کاهش داده که دلیل آن بنا به گفته رئیس‌جمهور وقت صفر مراد نیازف سیاست بی‌طرفی دائم کشورش بوده است.

۴- جغرافیای طبیعی کشور ترکمنستان (جهت مطالعه)

این جمهوری از غرب با دریای خزر، از شمال غربی با کشور قزاقستان، از شمال شرقی و شرق با کشور ازبکستان، با کشور افغانستان از جنوب شرقی و با کشور ایران از جنوب مرز مشترک دارد. مهمترین رودخانه کشور آمودریا (جیحون) است و در شرق کشور در قسمتهایی از مسیر خود مرز مشترک با ازبکستان و افغانستان را به وجود می آورد. از آب این رودخانه مردم افغانستان و ازبکستان نیز برای مقاصد گوناگون بهره برداری می کنند. کانال قره قوم که عملیات احداث آن در سال ۱۹۵۴ آغاز شد و در چند مرحله به پایان رسید مانند شاخه ای از رودخانه آمودریا، آب این رودخانه را به واحه های مرو، مرغاب و جلگه های دامنه رشته کوه «کویت داغ» انتقال می دهد و در آبیاری اراضی کشاورزی مناطق مذکور مورد بهره برداری قرار می گیرد. آبیاری جاری یکی از بزرگ ترین منابع آب این جمهوری است. چرا که در اقلیم گرم و خشک ترکمنستان، زراعت تنها در سایه آبیاری مقدور است. در دوره حکومت شوروی با احداث بزرگ ترین کانال جهان «کانال قره قوم» امکان بهره برداری و استفاده بهینه از اراضی بایر و دور افتاده ترکمنستان فراهم شد. اخیراً بعلت اهمیت فوق العاده اقتصادی، آن را رسماً رودخانه قره قوم نام نهاده اند. آب و هوای ترکمنستان گرم و خشک و بیابانی است و از نظر پوشش گیاهی فقیر محسوب می شود. در این کشور جنگلهای انبوه درختان پهن برگ دیده نمی شود ولی طبیعت آن از نظر تنوع گونه های گیاهی غنی است، به طوری که در کوههای هم مرز با خراسان درختان مخروطی همیشه سبز می رویند و در ارتفاعات باد خیز درختزارهای وسیع پسته وحشی وجود دارد و کویر قره قوم که چهار پنجم خاک کشور را تشکیل می دهد محل رویش انواع گیاهان و درختچه های کویری است. دمای هوا در تابستان به ندرت از ۳۵ درجه پایین می آید ولی در زمستان به منهای ۲۷ درجه می رسد یعنی تغییرات دمای هوا در طول سال شدید است. رطوبت و نزولات جوی اندک است و بارندگی عمدتاً در فصل بهار روی می دهد. ترکمنستان در موقعیت مساعد جغرافیایی قرار دارد. در ادوار گذشته از محدوده کنونی ترکمنستان ستان راههای تجاری (مهمی) عبور می کرد که چین، هند و کشورهای اطراف آن را با ایران، مسکو، بخارا و کشورهای خاور نزدیک ارتباط می داد.



تصویر ۲: طبیعت ترکمنستان

۵- جغرافیای انسانی کشور ترکمنستان: (جهت مطالعه)

بیشتر مردم ترکمنستان، ترکمن هستند و اقلیت قابل توجهی روس و ازبک نیز در این کشور حضور دارند. سایر اقوام قزاقها، تاتارها، اوکراینی‌ها، ارمنی‌ها، آذربایجانی‌ها و بلوچ‌ها هستند. براساس آمار سازمان سیا در سال ۲۰۰۳ ترکیب جمعیتی ترکمنستان ۸۵٪ ترکمن، ۵٪ ازبک و ۴٪ روس و ۶٪ از اقوام دیگر است. براساس آمار دولت ترکمنستان در سال ۲۰۰۱ ترکمن‌ها ۹۱٪، ازبک‌ها ۳٪ و روس‌ها ۲٪ جمعیت را شکل داده‌اند. جمعیت ترکمنستان‌ها در ترکمنستان از ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۱ حدود دو برابر (از ۲/۵ میلیون به ۴/۹ میلیون نفر) شد. اما شمار روس‌ها به کمتر از یک سوم (از ۳۳۴ هزار به ۱۰۰ هزار نفر) کاهش یافته‌است.



تصویر ۳: پرتره مردم ترکمنستان

۶- اقتصاد کشور ترکمنستان (جهت مطالعه)

بیشتر مردم کشور ترکمنستان در بخش کشاورزی و دامپروری فعالیت می‌کنند و این کشور بزرگترین تولید کننده گاز طبیعی در دنیا است. یکی از بهترین روندهای اقتصادی کشور ترکمنستان در بخش نفت اعلام شده است. به طور کلی بیشترین ذخایر نفتی در بخش غربی کشور ترکمنستان قرار دارد و به طور دقیق تر در گستره دریای خزر پراکنده شده است. محصولات نفتی و پارچه در این کشور بسیار زیاد هستند و یکی از بهترین گزینه‌هایی است که مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. کالاهای صادراتی در کشور ترکمنستان شام گاز و نفت خام بوده و در سال‌های اخیر پنبه و پارچه نیز به لیست صادرات کشور ترکمنستان افزوده شده است. کالاهای وارداتی همچون ماشین‌آلات و تجهیزات و همینطور مواد شیمیایی هستند. از دیگر اقلام وارداتی به کشور ترکمنستان مواد غذایی است. این کشور با ترکیه و روسیه شرکات تجاری زیادی دارد و همینطور با آلمان و ایران اوکراین نیز وارد طرح‌های اقتصادی گسترده شده است. قیمت منات کشور ترکمنستان به طور کلی دارای شرایط مشخصی است و نرخ منات کشور ترکمنستان در سال‌های اخیر تغییران زیادی نداشته است. وضعیت تولید ناخالص داخلی در کشور ترکمنستان در حدود ۴۳/۵۲ میلیارد دلار اعلام شده و رشد سالانه در این کشور نیز بر اساس GDP در حدود ۶/۵ در نظر گرفته شده است. کشور ترکمنستان دارای چهارمین ذخایر گاز در دنیا بوده و بیش از ۶۶/۲ میلیارد متر مکعب گاز دارد. همینطور در این کشور ذخایر عظیم نفت نیز وجود دارد.

فرصت‌های کسب و کار در خدمات نفتی و گازی در کشور ترکمنستان رشد زیادی داشته و حمل و نقل کالا و همین‌طور شرکت‌های لجستیکی از گزینه‌های مهم اقتصادی در کشور ترکمنستان محسوب شده است. این کشور در سال‌های گذشته همه تلاش خود را در زمینه حداکثرسازی منابع مورد نیاز برای پالایش و کارخانه‌ها در نظر گرفته است و شبکه‌های خط لوله و همینور سائز تسهیلات را در بر می‌گیرد. هر روز کوشش‌های مهندسی و ساخت و ساز برای بخش‌های خدمات ارتباطی رشد خوبی دارد و برنامه‌های مشخصی در زمینه بهبود حمل و نقل و همین‌طور ارتباطات در کشور ترکمنستان ستان دیده می‌شود. زیر ساخت‌های اجتماعی بخش مهمی از اقتصاد کشور ترکمنستان ستان را تشکیل داده است. اقتصاد کشور ترکمنستان بیشتر در خصوص نفوذ و مالکیت دولتی ارزیابی می‌شود و مشخص است که تیم‌های صندوق بین‌المللی چوب نیز به طور مرتب با دولت ترکمنستان در ارتباط هستند. این‌طور که ارزیابی‌ها نشان می‌دهد بانک‌های اروپایی در کشور ترکمنستان در وضعیت بازسازی شده قرار گرفته و توسعه استارت‌آپ‌های کوچک در این کشور در وضعیت خوبی قرار دارد. بخش‌های خصوصی‌سازی شده در کشور ترکمنستان از بخش‌های مهمی محسوب می‌شود.

۷- معرفی صنایع دستی ترکمنستان (جهت مطالعه)

اقوام مختلف کشور ترکمنستان که هر یک فرهنگ، آداب و رسوم و صنایع دستی خاص خود را دارند، ابداع کننده و ادامه دهنده حیات بسیاری از صنایع دستی کشور ترکمنستان هستند. هنرهای کاربردی عامیانه ترکمنستان غنی و متنوع است و شامل انواع فرش و زیرانداز، نمد، گلدوزی و لباس دوزی، کلاه و روسری، جواهرات و تزئینات زنانه، تزئینات مخصوص اسب، محصولات چرمی و موارد دیگر است. خصوصیات فرهنگی و زندگی مردم در صنایع دستی آنها منعکس شده است. در بین اشکال متنوع هنرهای کاربردی عامیانه قالی بافی ترکمنستان توسعه یافته ترین و غنی ترین است که شهرت جهانی کسب کرده و هنوز هم موفقیتش را حفظ کرده است. برای عشایر ترکمن، فرش‌ها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار هستند. هنرهای کاربردی ترکمنستان طیف گسترده‌ای از مواد استفاده شده و روش‌های تزئین را در بر می‌گیرد. این موارد شامل سرامیک، منبت کاری فلزی، منبت کاری با چوب، ساخت جواهرات، گلدوزی ابریشم و طلا، بافتن ابریشم، فرش و فرش و چرم می‌باشد

❖ صنایع عمده‌ی دستی ترکمنستان شامل:

- ✓ فرش
- ✓ نمد
- ✓ لباس دوزی

- ✓ کلاه و روسری
- ✓ جواهرات و تزئینات زنانه
- ✓ تزئینات مخصوص اسب،
- ✓ محصولات چرمی
- ✓ سرامیک
- ✓ منبت کاری روی فلز
- ✓ منبت کاری روی چوب
- ✓ گلدوزی با ابریشم و طلا
- ✓ ابریشم بافی
- ✓ ملیله کاری طلا و نقره

❖ قالی

قالی بافی صرفاً در بین زنان ترکمنستان رایج است. زنان و دختران ترکمنستان از روزگاران بسیار کهن به قالی بافی اشتغال داشته و این هنر را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده اند و نیز یکی از عمده ترین راههای معیشت در بین ترکمنان، قالی بافی بوده است. قالی و قالیچه های ترکمنستانی به طور کلی دارای گره ترکی باف است که به طور عمده بر روی دستگاه های افقی بافته می شود ولی در حال حاضر بخاطر بهداشتی نبودن دارهای افقی، سعی می شود تا از دارهای عمودی استفاده شود. نقوش زیبای این قالیها، طرح های هندسی است که برگرفته از تغییر و تحولی است که در زندگی مردم ترکمنستان رخ داده است مانند: مهاجرت، اعمال قدرت و پیروزی در جنگ. گل های اصیل قالی ترکمنستان هر یک بیانگر علامتی خاص از یک طایفه اند.



تصویر ۴: نمونه ای از قالی ترکمنستان

❖ پشتی

مردم ترکمنستان پشتی را قارچین می گویند و به صورت کیسه می دوزند و داخل آن را با مواد نیمه نرم مثل مقوا یا کرتون پر می کنند و به عنوان تکیه گاه در هنگام نشستن مورد استفاده قرار می دهند. در این میان پشتی های ترکمنستان بسیار شبیه به قالیچه هستند که در اندازه های نیم متر، یک متر و یک و نیم متر بافته می شوند و در آن از رنگ های قزل (قرمز)، تلایی و آق (سیاه) استفاده می شود که نقوش آن را گلچه و قره نقش می خوانند.



تصویر ۶: نمونه ای از پشتی ترکمنستان

❖ گلیم

مواد مصرفی در گلیم، پشم، ابریشم، پنبه و یا الیاف مصنوعی می باشد. وسایل لازم در گلیم بافی، دار، فیچی، سوزن و میله است که در روستاهای ترکمنستان شاهد دارهای افقی و خوابیده بر روی زمین هستیم؛ دارهایی که حدوداً تمامی سطح اتاق را اشغال بیشتر کرده و آن اتاق را به کارگاه گلیم بافی تبدیل نموده است. در بافت گلیم از طرح ها و نقوش متفاوتی استفاده می شود، از جمله: نقش شطرنجی، حیوانات، اشیاء، گیاهان، نقش خورشید و غیره که زیبایی خاصی را به گلیم می دهند. محصولات متفاوتی از فرایند گلیم بافی بدست می آید که نقش فراوانی در زندگی مردم داشته و عبارت است از: جل اسب، جوال، خورجین، سجاده، پادری و پاشتری. گلیم ترکمنستان انواع مختلف دارد که می توان به گلیمچه و انسی / قاپی گلیم اشاره کرد.



تصویر ۷: نمونه ای از گلیم ترکمنستان

❖ **نمد مالی**

نمد مالی بیشتر برای استفاده شخصی تولید می شود و برخلاف سایر مناطق کشور که نمد مالی کاری مردانه است، در بین ترکمانان نمد مالی و تولید محصولات نمدی به وسیله زنان انجام می شود. نقش نمدها خطوط منحنی دارد و به نام های "چشم شتری"، قوچ، عقرب زرد و تیرانا خوانده می شود. نمد خوب را از پشم بهاره گوسفند تهیه می کنند و زنان هنرمند نقش شاخ قوچ را بر روی آن می اندازند. نمدهای تولید شده مصارف مختلفی دارند، از قبیل نمد زیر پایی، نمدی که دور آلاچیق می پیچند و نمد شولا که چوپانان به خود می پیچند.



تصویر ۸: نمونه ای از نمد ترکمنستان

❖ **ابریشم بافی**

این هنر دستی بیشتر در قبایل "گوکلان" مرسوم است. معمولاً پارچه ها دارای رنگ های روشن و طرح های زیبایی هستند. برای رنگ کردن حریر، از رنگ های گیاهی استفاده می شود. دوام رنگ های روشن و زیبایی نقش و نگارها، از ویژگی پارچه هایی است که به دست قبایل گوکلان بافته می شود. پارچه های ابریشمی به صورت طاق هایی به طول دو و نیم تا پنج متر و به پهنای ۳۰ تا ۴۰ سانتی متر بافته می شوند. رنگ قرمز سنتی ترکمنستان (قرمز کونیک)، به منظور استفاده در مراسم عروسی و جشن ها استفاده می شود.



تصویر ۹: دستگاه ابریشم بافی

❖ زیورآلات ترکمنستان

زنان ترکمنستان از کودکی با انواع زیورهای طلا، نقره و سنگهای تزئینی آشنا شده و خود را با آن می آرایند. استفاده از زیور در نزد مردم ترکمنستان نه تنها جنبه خود آرایشی و تزئینی داشته و دارد، بلکه از جنبه اقتصادی و فرهنگی نیز حائز اهمیت بوده است. از نظر فرهنگی، زیور آلات ترکمنستان ها به واسطه آویز های مختلف در هنگام حرکت، ایجاد سروصدا می کرده، که بیانگر قسمتی از فرهنگ آنها است. طلسم ها و طومارها که حامل ادعیه می باشند و قاب های قرآن که به گردن می آویزند، جنبه های اعتقادی استفاده از زیور آلات را نزد ترکمنستان ها روشن می سازند. زنان ترکمنستان علاوه بر زیورهایی که به کلاه و سر خود می آویزند، برای تزئین موهای خود نیز زیورهای خاصی دارند. مردان ترکمنستان هم از زیورآلات خاص خودشان نظیر انگشترهای نقره و طلا، کمربندهای نقره ای، خنجر و شلاق اسب استفاده می کنند. شایان ذکر است که اسباب بازی کودکان و لباس آنان نیز با زیورآلات تزئین می شوند.



تصویر ۱۰: نمونه ای از زیورآلات ترکمنستان

❖ لباس محلی ترکمنستان

اقوام ترکمنستان همچنان بر آداب و رسوم خود پایبند بوده؛ و تبلیغات و ورود پارچه و لباس های وارداتی، خللی در لباس این مردمان ایجاد نکرده است. این مردمان لباس های خاص خود را با همه اجزای آن که شامل کلاه، پیراهن، جلیقه، کت و شلوار و کفش می باشد تهیه کرده و با نقوش خاص خود مزین ساخته، آن را می پوشند و به آن افتخار می کنند.



تصویر ۱۱: نمونه ای از لباس محلی

❖ سوزن دوزی

سوزن دوزی تماماً توسط زنان و دختران ترکمنستان انجام می شود. آنان با دقت و ظرافت، با نخ های رنگین، بر روی عرقچین کودکان و میج شلوار، دور یقه و سر دست پیراهن زنانه را سوزن دوزی کرده، نقش های زیبایی می آفرینند.



تصویر ۱۲: نمونه ای از لباس سوزن دوزی

۸- فرش ترکمن

چادرنشینان ترکمن از گذشته های دور در منطقه ای از افغانستان تا مرزهای ایران و در امتداد ترکستان که تا دریای مازندران وسعت داشت، سکنی گزیدند. هسته اصلی این خلق در دوران نوین در جمهوری ترکمنستان، ازبکستان، جمهوری های خود مختار سابق قازاقالپاق، منطقه جنوبی دریای آرال و بخش دیگری در ایران زندگی می کنند. ترکمن ها در منطقه بسیار گسترده آرال زیست داشتند. این منطقه شامل فلات وسیع و مناطق کوهستانی که ارتفاع آن تا هشتصد متر نیز می رسیده بود. در این دوران تنها در کناره های رودخانه ها وجود يك اقتصاد ساده شبانی امکان پذیر بود که با مهاجرت از چراگاهی به چراگاه دیگر عملی می شد. پایه و زمینه تغذیه ترکمن ها را، که گوسفندان دنبه دار و در کنار آنها تعدادی شتر و اسب تشکیل می داد، اما زیست آنان با يك جنگ مداوم با طبیعت و قهر آن تعیین شده بودند. ترکمن ها نه تنها می بایست خود را علیه تاثیر و قهر طبیعت حفظ می کردند، بلکه همچنین بر اثر این عوامل از مناطقی که به عنوان چراگاه آنان بود، باید همواره دفاع کرده و گسترش داده می شد. به این صورت شد که این خلق چادرنشین به يك خلق جنگجو تبدیل گشت، که تا آغاز سده بیستم می بایست اشکال زندگی خود را حفظ و از آن دفاع کند. اما بعدها برخی از آنان به کشاورزی روی آورده و از یورت نشینی بیرون آمده و در شهرها و دهات اسکان یافتند و با شهرهای بزرگ و مناطق وسیع چون بخارا، مرو، پنده و خیه که مراکز تجاری بودند، ارتباط پیدا کردند و شروع به تبادل کالای خود یعنی فرش در برابر نمک، غله، شکر، چای و... کردند. این فرش های تعویض شده از طریق کاروان

ها به شهرهای قدیمی و بزرگ روسیه و از آنجا به اروپا نفوذ می کردند. در مناطق دیگر شرق که بافت فرش توسط مردان و زنان انجام می شد، در نزد ترکمنها تنها زنان بودند که به تولید فرش می پرداختند. مردان ترکمن به گله و رمه ها رسیدگی می کردند و زنان بمتابه حاکمان یورت (چادر) به امور یورت، خانه داری و رسیدگی به فرزندان و درکنار آن به تولید فرش پرداخته و تمام کارهای اولیه فرش اعم از تهیه و تدارک پشم و افکندن طرح فرش را انجام می دادند. فرش بافی در نزد ترکمن ها که توسط زنان انجام می گرفت، فاکتور مرکزی و عمده زندگی اجتماعی- اقتصادی آنان بود، که از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. بویژه در این عرصه برای بافت زین اسب که بمتابه سمبول قدرت ارزش داشت، دقت بیشتری به کار برده می شد. کار زنان در این راستا تنها به تولید فرش پایان نمی یافت، بلکه آنان بایستی نمد هم تولید می کردند، که در برابر سرما مقاومت و هم کف پوشی داشته باشند.

در شرق نزد هیچ خلق دیگری بجز ترکمن ها، فرش و سایر موارد نساجی چنین هدفمند به گونه ای سنتی تولید نشده است. اینکه ترکمن ها چه زمانی آغاز به بافتن فرش کرده اند، تعیین دقیق دوره آن دشوار است و نقطه نظر کاوشگران در این مورد نیز بسیار متفاوت است. واقعیت این است که کهن ترین فرش ترکمن شناخته شده کمتر از هزار و هشتصد سال نیست، اما این به آن معنی نیست که پیش از این زمان هم نزد ترکمن ها فرش وجود نداشته است. زیرا دلیل آن وجود موتیف ها و طرح فرش هایی مانند، هشت ضلعی های ترکمنی است که خود را در فرش های صدها سال پیش از میلاد نشان می دهند. نظریه ای که مدتهاست تأیید شده این است که ترکمن ها در آغاز به فرش های خود بمتابه اشیایی دارای کاربرد ناب، بدون ارزش هنری می نگریستند. اما بعدها در این نگرش تجدید نظر شد. دوره ای آغاز شد که ترکمن ها به ارزش هنری کار دست خود آگاه شدند و آنگاه این هنر ارزشمند بمتابه کالای قابل تعویض شناخته شد. اینکه چرا هیچ فرش آنتیک مخصوص ترکمن وجود ندارد، پیش از هر چیز به این دلیل است که منطقه زیستگاه ترکمن ها، نخست در قرن نوزده میلادی بود که در ارتباط تنگاتنگ با دنیای مدرن قرارگرفت. پس از اینکه روسیه تزاری این منطقه را غصب کرد، به همراه آن نیز ساختمان راه آهن آسیای مرکزی آغاز بکار کرد، که مسیر آن از راه کاروانی قدیم تاشکند به دریای خزر بود. فرش های ترکمن که در حکومت تزار مورد استفاده گرفت، اشرافیت روس را به سرعت شیفته خود کرد. فرش ترکمن توسط تجار روس که اکنون به این منطقه رفت و آمد می کردند به روسیه برده شد. اروپایی ها نیز که این فرش را در روسیه شناخته بودند، کمتر از اشراف روس شیفته فرش ترکمن نبودند. در این منطقه بزودی فرش ترکمن تبدیل به يك مسئله سیاسی شد. روسیه امکاناتی را می شناخت که این فرش را بصورت درجه يك با کیفیت بالا صادر کند و بخاطر مسائل سیاسی با ایران در آن دوران، مرز ایران

و هند را بست. آنچه که ترکمن ها با سرزمین های همجوار خود معاوضه می کردند، ماده رنگی بود که خود تولید نمی کردند. اما بعدها دولت روسیه از طریق راه حل دولتی، رنگ های مورد کاربرد فرش را از اروپا به روسیه وارد کرد و تجار روس این رنگ ها را در قبال تعداد معین فرش ترکمن تعویض می کردند. قبل از این پدیده، ترکمن ها رنگ های مورد نیاز خود را از گیاهان می گرفتند. پس از انقلاب اکتبر در روسیه و سال های پس از آن، تحول بزرگی در فرش بافی ترکمن رخ داد. این تحول به نقش و نگار و کیفیت آن لطمه ای نزد. در این دوران مانوفاکتورها و صنایع فرش بافی ایجاد شد که در آن فرش ترکمن با هدف صادر کردن آن بافته شد. تنها تفاوتی که این فرش های جدید داشت، اندازه آنها بود که با فرش های قدیمی ترکمن، آنها به علت تقاضای بازار فرش، اختلاف داشت. نام فرش های ترکمن، نام قبایلی است که در آنجا بافته می شود. البته فرش هایی هم وجود داشت که خارج از این چارچوب بود، مانند فرش بخارا که آنها می بایست به صورت استاندارد بافته می شد. در فرش ترکمن مشخصه های ویژه ای وجود دارند که برای کاربرد مخصوص فرش خوانده می شوند مانند، انگسی (Engsi) یا اِنسی (Enessy) و یا تکه انگسی جهت پرده در ورودی یورت (چادر) به کار می رود، یا اُسمولدوک (Osmolduk) فرش پنج ضلعی زینتی که در عروسی ها روی شتر انداخته می شد، یا اینکه وارد یورت (چادر) می شدی انگسی آویزان بود یا هاچلو (هاچلی - خاج لی) روی زمین قرار داشت. گرچه که برای پادری بود یا گهواره کودک که از فرش به این منظور تهیه شده بود. ترکمن ها که از قبایل گوناگون متشکل شده بودند، هر کدام موتیف های فرش خود را داشتند که از ذوق و استعداد آنان بر می آمد. بزرگترین قبیله ترکمن، تکه های یورت نشین (چادر نشین) بودند که در جنوب ترکستان و در ایالت خراسان زیست داشتند، سپس یمود ها که در گروه های کوچک در چراگاه های وسیع زندگی می کردند. به قبایل کوچک دیگر سالورها، پنده ها، آراباجی ها، بوساچلی ها، چوودور ها و ساریق ها و همچنین قیزیل آیاق، اُغورچلی، بشیر، ایگرد، گوگلان، جعفر بای و ... تعلق داشتند. ارساری خود یک قبیله بود. فرش های ارساری همواره دارای علامتی است که نشانگر ممیزه ویژه ارساری ها هست. مانند، بافت بشیر که دارای موتیف اصلی هشت ضلعی نیست. ولی چیزی که می توان گفت این است که همه فرش های ترکمن دارای رنگ استاندارد سرخ هستند، گرچه در آن رنگ قهوه ای یا آبی به کار برده باشند. رنگ شنی و قهوه ای تیره برای گؤل و موتیف های گول به کار می روند. در شهر لندن در House of Perez Ltd نیز فرشی کوچک از واحه پنده که متعلق به طایفه آراباجی (یمود) مربوط به پایان قرن نوزده است، وجود دارد.

۹- قبایل بافنده فرش در ترکمنستان

ترکمن ها بنا به نقلی از ۶۰۰۰ سال پیش در مناطق شمالی روسیه، در اطراف دریاچه عاشیق گؤل (بالای دریاچه رارال) زندگی می کرده اند. در قرن ۶ میلادی در کنار رود جیحون اقامت داشتند در سده چهارم ه.ق به جنوب این رودخانه و منطقه مرو مهاجرت کردند، به نحوی که در ۴۲۷ ه.ق شهر مرو، توسط ترکمن های سلجوقی در اوج خود بود. ترکمن ها ۷۰ درصد مردم مناطق ماوراء خزر و اطراف بخارا و شمال افغانستان را تشکیل می دهند و به ۵ قبیله اصلی و تعدادی طایفه فرعی تقسیم می شوند. این ۵ قبیله عبارتند از :

۱. سالورها
۲. ساریق ها
۳. تکه ها
۴. یموت ها
۵. ارساری ها

و.گ. موشکوا پژوهشگر و فرش شناس روس در رده بندی فرش های ترکمن، وجود دو مفهوم گؤل (Göl) و گول (Göl) را کشف کرد. گول (Göl) نشان قبیله و بمثابة نوعی آرم برای ارزش گذاری است، کاربرد و سنت آن برای وابستگان این قبیله حفظ می شود. گول (Göl) به موتیف هایی گفته می شود که در طرح هندسی هشت ضلعی تمرکز یافته و تا قرن پانزده نیز به خلق های ترك تعلق داشت. گؤل (گؤل) که خود واژه ای فارسی است، طرح هندسی ای است برای شکوفه های گل. گؤل (Göl) در فرش های مختلف قبایل گوناگون ترکمن به کار برده می شود.

➤ گؤل (Göl) های معروف فرش در ترکمن ها

۱- ساریق ۲- سالور ۳- تکه ۴- یمود ۵- کپسه، یمود ۶- دیرناق، یمود ۷- ارساری ۸- تاوق نوسقا ۹- بوخارا (بخارا).

➤ نام های ترکمن گول Göl در فرش ترکمن:

تکه - یمود - ساریق - پنده / سالور - قیزل - آياق-کِركی - در ترکمن های افغانستان، افغان گول



تصویر ۱۳: پراکندگی قبایل بافنده فرش در ترکمنستان

۱۰- هنر سالورها و انتقال آن به ساریخ ها :

سالورها هنر خود را به ساریخ ها منتقل کردند و خود تقریباً بطور کامل کار بافندگی را کنار گذاشتند. ساریخ ها نیز به نوبه ی خود این هنر را در میان تکه ها رواج دادند. می گویند دلیل ترك فرشبافی سالورها این بوده که خان های ایرانی که به تازگی ارباب آنان شده بودند، نفیس ترین فرش های این قبیله را ضبط کردند و این امر کمابیش باعث شد تا آنها دست از کارسنتی خود، که همانا فرش بافی بود، بشویند. به اعتقاد میخایلوو تولید فرش در میان قبیله های مختلف به ترتیب گوسفندان خارچین که در این دشت ها دارای نژادی اعلاست ولی در مراتع کوهستانی پرورش نمی یابد، بستگی دارد.

قبیله هایی که از دشت ها به کوهستان کوچ کردند و به تربیت نژاد کوهستانی گوسفند پرداختند ناگزیر هنرسنتی فرشبافی خود را از دست دادند. معهذاً، "گل سالور" هنوز هم يك آذینه ی اصلی بجامانده که نه تنها ساریخ ها، که جانشین سالورها شدند، از آن استفاده می کنند، بلکه اکثر تکه ها، خاصه تکه های مرو، نیز آنرا به کار می برند. تکه هایی که در آبادی های عشق آباد و تجن سکنی دارند نیز از همان طرح بهره می جویند. فقط با این تفاوت که طرح مزبور زیر تاثیر یموت ها به نحو خام دستانه یی تغییر یافته است. جزییات و ریزه کاری های گرداگرد گل هفت یاهشت وجهی یموت از گل سالور پیچیده تر است. گاهی هم طرح هایی به سبك كاملاً تازه، از قبیل نقش عقاب یا صلیب ساده شده (استیلیزه)، جایگزین گل مزبور می گردد. برخلاف دونوع کلی که در بالا ذکر شد، گل هشت ضلعی از ساری بزرگتر و ساده ترست و بطورقرینه بر زمینه ی یکرنگی که دامنه ی از زرد تا قرمز پررنگ در نوسان ست قرار گرفته است.

تفاوتی که بین فرش های گروه سالور و یموت وجود دارد این ست که اندیشه ی اولی هنری تر و جزییات آن کاملترست و گونه گونی نقش در آن کمتر بچشم می خورد. در گروه یموت تنوع بیشتری وجود دارد که توصیف انواع این گروه را دشوار می سازد. بطورکلی نقش های ترکمنی تاکنون مورد مذاقه ی گسترده قرار نگرفته، و حتی متخصصانی چون "ری اگل" تمامی فرش های آسیای مرکزی را، همانطور که در بالا هم ذکر شد، تحت عنوان "فرش های ایلاتی" گنجانده اند. به اعتقاد وی، کلیه ی فرش های ایلاتی در گروه آسیای صغیر جای دارند و ویژگی آنها طرح های ساده و ابتدایی ست. وی در پی پژوهش های خود می افزاید که این گونه فرش ها در سرتاسر داغستان روسیه، دشت های ترکمن، بخارا، و ترکستان پراکنده اند. به نظر او در مورد فرش های ایلاتی نمی توان سخن از يك طرح ملی راند، زیرا آذینه و نقش "فقط بازی خط ها و تقلید ابتدایی طبیعت ست." باتمام احترامی که برای ری اگل قایل هستیم باید اذعان کنیم که استدلال او حاکی از دانشی سطحی در زمینه ی این مساله است. ما نمی توانیم از مردمان چادرنشین بطور کلی سخن برانیم و قبایل و گروه هایی

آشکارا متفاوت چون ترکمن، کرد و قرقیز را در يك مقوله واحد طبقه بندی کنیم. نه فقط تمیز این مردمان از یکدیگر، بل مطالعه تیره های مختلف ترکمن که شامل سه گروه فوق الذکر می شوند نیز ضرورت می یابد. طرح ها را خود این مردمان - و دیگر کسانی که با این امر آشنا هستند - برحسب نقش اصلی طبقه بندی می کنند و آن را گل می نامند. این گل ها همان شکل های مستطیل، شش وجهی و هشت وجهی هستند که زمینه، یامتن، فرش های ترکمن را اشغال می کنند. هر يك از گل ها نامی ویژه مانند، گل سالور، گل ارساری، گل یموت و گل چادور و غیره دارند.

گروه سالور قبایل زیر را شامل میشود: سالورها، ساریخ ها، تکه های مرو، و بخشی از عاقل ها، دالی ها و قزل ایاق های ارساری.

گروه یموت قبایل یموت، اوغور جالی، چادور، ایغدير، عبدال، خواجه ها (اعراب)، و گوکلن ها را در برمی گیرد. گروه ارساری مرکب از قبایل بشیر، شاکر، بوردالیک، آل علی، تونت چه، توپ چه و دیگر ارساری هایی ست که در مرز روسیه و بخارا و افغانستان در امتداد آموی دریا و قره قالپاق زندگی می کنند. در هر يك از این گروه ها طرح های خاصی برای جوال، توبره و دیگر بافته های گرہ دار یا پرزدار چون نوار چادر، قالیچه سجاده یی (نمازلیک)، خورجین و غیره در نظر گرفته شده است. طرح های جوال و توبره را اصالت و سبک آن ها مشخص می سازد. برای بافتن آن ها، به دلایلی که هم اکنون ذکر شد و نقش خصوصی و مهمی که در زندگی ترکمن ها بازی می کنند، وقت زیادی صرف می شود.

۱۱- طرح های خاص طوایف ترکمن

فرش قدیمی ترین سمبل هویت فرهنگی ترکمن هاست و ترکمن مهد هنر فرش بافی می باشد. راه زندگی ترکمن با اسب هموار شده است و هنر قالی بافی کتاب تاریخ و حدیث عشق و تلاش آنان است. کهن ترین فرش بدست آمده از دره پازیریک (حدود مرزی مغولستان، سیبری و چین) تا چندسال قبل از میلاد قدمت دارد و در متن آن ۲۴ گل وجود دارد و به تعبیری می تواند حکومت ترکمنان سلجوقی (۵۲۲-۴۲۸ ه. ق) به جهان معرفی شد.

فرش ترکمن زاده ذهن خلاق و اندیشه جستجوگر و دستهای آفریننده مادر می باشد. او با دست های هنرمندش فرش را زمینه ساز و جلوه گر اندیشه اش نمود. او در هر گروه تمامی احساس و عواطف و عشق مادرانه اش را به دخترش و مردم ترکمن به ودیعه نهاد و در پایان اثری از انگشتان خسته و خونبارش برای زینت بخشیدن به قالی و اثبات حضور خود در میان جلوه های گوناگون یافته اش نمادی به نام فرش از سرانگشت خونبارش به یادگار باقی گذاشت. در بررسی شکل و قالب فرش ترکمن شاهد وجوه مشترکی بین آن و سایر

دستبافتهای شرقی مانند افغانها، ازبکها و سایرین خواهیم بود. قابل ذکر است که پی گیری ردپای آزینه های اقوام آسیای میانه و ویژگیهای هنری عشایری ترکمن می تواند شواهد و مدارکی مستدل برای شناخت ارتباط و شاید اشتراك میان قبایل مختلف و همین طور ترکمنها با سایر قبایل و عشایر کوچنده به دست دهد. عناصر سازنده قالی ترکمن عبارتند از گلهای بزرگ و کوچک در صفحه مرکزی و حاشیه های موازی که در ردیف های منظم قرار گرفته اند، طرحهایی از اشکالی گیاهی و عناصری از تمفاها، نمادی از پرندگان شکاری محافظ قبیله که پرستیده می شدند (توتم) و گل نشان علامت خاص هر طایفه، نقش و نگار بافته های سالورها، ساریق ها، ارساری ها، یموت و تکه ریشه مشترك اقوام ترکمن و شباهت آن و تفاوتهای این نقش و نگارها و ویژگیهای هر طایفه را نشان می دهد، هرکدام از طوایف ترکمن اشکال را ابداع کردند منجمله :

۱. طوایف تکه ، ماری گؤل

۲. طایفه یموت، قاپسه گؤل، درناق گؤل، آینه گؤل

۳. طوایف ارساری، گلی گؤل.

۴. طوایف ساریق، ساریق گؤل

۵. طوایف سالر اونگ قرقه گؤل

که بر روی هم ۸۱۱ نقش فرش ترکمن با نام موجود می باشد، هرچند گفته شده که در اصل ۱۱۳۳ نقش وجود دارد. پرآوازه ترین قالیهای ترکمن که در بازار جهانی خواستار زیادی دارد قالیهای دارای نقش و نگار تکه، قالیهای سالوری گؤل است. قالیهای یموتی هرچند از نگاه زیبایی دست کمی ندارند ولی کمتر شهرت دارند و نقش و نگار و رنگهای آنها با آنچه که در بالا آمد تفاوت دارند. چنانکه و.گ موشکوا قالی شناس نوشته است نقش و نگار ترکمنی به رغم تفاوتهای محلی و قبیله ای، دارای سبک یگانه ای است. همسانی نقش و نگارها همواره اقتباسی ساده نیست. اینها اغلب نشانه های پیدایش مشترك گروههایی هستند که امروز قبیله ای مستقل هستند و یا نشانه های اتحاد چندین گروه هستند. این هماهنگی ها رامی توانیم در نقش و نگار تکه ها، یموت ها، ارساری ها، ساریق ها بیابیم که بنابر شواهد تاریخی دارای پیدایش مشترکی هستند، اما پایه پای ویژگی های مشترك در نقش و نگارهای قالیها، تفاوتهای قبیله ای نیز به خوبی نمایان است. باید گفت که گؤل روزگاری توتم یانشانه قبیله بوده است که گذر ایام و تاثیر عوامل مختلف باعث تغییر آن شده است. فرش ترکمن را زنان و دختران هنرمند ترکمن بدون آنکه در برابر چشمان آنها نقش و نگاری باشد بر روی قالی منتقل می کنند که باعث شگفت می باشد. تقاضا در مورد قالیهای ترکمن هم در داخل کشور و هم خارج همواره بسیار

بوده است ولی امروزه بنا به دلایل گوناگون از ارزش و اهمیت فرشهای دستباف کم شده است و عدم حمایت از قالیبافان موجب گردیده کم کم این هنر نیز در گذر زمان در مسیر تندباد فراموشی و نسیان افتد.

۱-۱۱- سالورها

سالورها از همه قدیمی ترند و احتمالا مبنای ۳ قبیله یموت، تکه و ساریخ هستند. در حمله هون ها و مغول ها، مرو سقوط کرد و پس از مغول ها مناطق ترکمن نشین در تصرف صفویان و سپس افشاریان بود. امروزه در سرخس، شمال ایران، جنوب ترکمنستان و افغانستان هستند. سالورها، کاربرد موتیف گول (Göl) خود را دوباره سازی کرد. گول (Göl) سالورها شناخته شده ترین و مشهورترین نشان قبیله ترکمن ها است. این موتیف تورم گول (Turmgöl) نیز قلمداد می شود و در درون همین گول ها که به صورت قلاب های دندانه دار ستاره ای شکل هستند، موتیف خاج شکل وجود دارد که آن را آینا قوشاق می خوانند. اما موتیف گول (Göl) سالور متعلق به اواسط قرن نوزده توسط قبیله تکه بافته شده اند و آنهم به این دلیل که به لحاظ تاریخی چنین گزارش می شود که سالورها در سال ۱۸۳۱ از سوی تکه ها تحت رهبری عباس میرزا بصورت گسترده ای قلع و قمع شدند و باقی مانده قبیله سالور جزو قبیله تکه شدند و از این افراد باقی مانده موتیف سالورگول پیشین از سوی تکه ها گرفته شد. به لحاظ تنویریک همه فرش های نشان شده با سالور گول که پس از ۱۸۳۱ تولید شده اند، باید به حساب تکه ها گذاشت. البته این گونه حوادث نباید حالت استثناء بوده باشد. در روند تکامل فرش ترکمن، این گونه اکتساب ها وجود داشته است. بهر حال فرش سالوری که از قرن نوزده باشد بسیار کمیاب است، تنها جوال هایی هر از گاهی در معاملات و داد و ستدها یافت شده است. تصاویر زیر نقوش قبیله را نشان

میدهد



تصویر ۱۴: نقوش قبیله سالور و بشیر

۱۱-۲- ساریق‌ها

ساریق‌ها در یول آتان و پنده، تکه‌ها در اطراف مرو، تچن و شرق ترک (شمال خراسان) هستند. شیوه‌ی زیست آنها به صورت عشایری و کوچ‌رو است و چادر نشین هستند، اما ترک‌ها (خمرس‌ها) که در بین ترکمن‌ها زندگی می‌کنند، زندگی ثابت دارند. ساریق‌ها نیز در امتداد مرز افغانستان در همسایگی سالورها زیست داشتند و فرش آنها نیز در رابطه بسیار تنگ با قبیله همجوار بزرگ بود. در فرش ساریق‌ها اغلب سالور گول به کار می‌رود، که مکمل و ضمیمه‌ای برای گول (Göl) قبیله خود بود. در فرش‌های ساریق حاشیه بافت‌هایی باریک که در شکل موتیف تیر (کمان) مانند است در بافت سفید رنگ یافت می‌شود که سمبول زندگی طولانی و پیروزمند است. در کنار فرش یموت که ظریف‌ترین فرش ترکمن است، فرش قبیله تکه دارای اهمیت است. گول (Göl) اصلی فرش تکه از یک هشت ضلعی دایره وار تشکیل می‌شود. این گول را همچنین می‌توان در تکه-توبره مشاهده کرد. بخارا یکی از شهرهای مرکز تجمع فرش‌های ترکمن بود که بعدها این فرش‌ها به این خاطر بخارا نامیده شد. فرش‌های بزرگ بخارا «رویال بخارا» و قالیچه‌های کوچک «پرنس بخارا» خوانده شد. در پاکستان نیز در کارگاه‌های فرش بافی، فرش‌های ترکمن با کیفیت مرغوب و کمتر مرغوب بافته شدند.



تصویر ۱۵: بافته قبايل تکه ساکن مرو

-نقش‌های آسمانلق و قافیللق



- نقش‌های چوول و تووربا



-نقش میانی



تصویر ۱۶: نقوش قبیله ساریق



تصویر ۱۶: نقوش قبیله تکه

۱۱-۳- یموت (أرغوچلی)

أرغوچلی قبیله ای بود که در کناره های شرق دریای خزر زندگی می کرد و قدیمی ترین قبیله گروه یمود است. فرش های آنتیک کمی وجود دارد که گول (Göl) أرغوچلی را نشان می دهد. دونوع گول أرغوچلی در فرش های یموت به نام های کپسه گول (Kepse-Göl) و تاوق- نوسقا گول وجود دارد. اُسمولدوق یموت ها از زیبایی خاصی برخوردار است که در عروسی ها روی شتر عروس انداخته می شده است. فرش های یموت در نشانه های گول، رنگ های بشاشی نسبت به دیگر قبایل دارد مانند، سبز روشن و آبی.



تصویر ۱۷: نقوش قبیله یموت

۱۱-۴- چاودور

چاودور، قبیله ای کوچک که در شمال ترکمنستان کنونی زیست داشتند. گول (موتیف) این قبیله نیز در فرش چاودور طرح هشت ضلعی دایره وار است. به لحاظ سبک و استیل به فرش ساریق ها و یموت شبیه است. یکی از مشخصه های فرش های نادر این قبیله بکارگیری رنگ زرد روشن است. نام گول (Göl) چاودور ارتمن (Ertmen) خوانده می شود.

نقشهای حاشیه



- نقشهای مرکزی



تصویر ۱۸: نقوش مرکزی و حاشیه ای قبیله چاودور

۱۱-۵- ارساری

ارساری ها در کنار آمودریا، مرز مشترک روسیه، بخارا و افغانستان زندگی می کنند. ارساری که قدیمی ترین و آخرین قبیله بزرگ ترکمن را در آغاز قرن بیستم تشکیل می داد، در بخش جنوبی جمهوری ترکمنستان کنونی و در شمال افغانستان زندگی می کردند. از ارساری ها چهار نوع فرش متنوع وجود دارد. نخستین آن ارساری- بشیر است، که اکثرا به نام بشیر خوانده می شود و دیگری خود فرش خالص ارساری و فرش سوم قیزیل آیاق (Kizil-Ayak). که بخشی از طایفه ارساری است و به نام زیستگاه آنان در کنار مرز افغانستان، خوانده می شود. تفاوت فرش این طایفه به سختی با قبیله اصلی (ارساری) قابل تشخیص و شکل گول (نشانه) آن مانند گول ارساری است. در کنار این سه فرش با طایفه های آن که در ترکمنستان کنونی زندگی می کنند، قبیله ی دیگر ترکمن منجمله ارساری، تکه و یمود در افغانستان ساکن هستند و نام فرش خود را در سرزمینی که زیست دارند، می خوانند. در فرش های بشیر در موتیف گول آنها تاثیر فرش ایرانی مشاهده می شود. بشیر-

چوال نمونه خوبی برای این آمیختگی فرهنگ ترکی و فارسی است. فرش بشیر که دارای طرح هایی ابر مانند و میانه آن با مدال آراسته شده، بیلان بشیر خوانده می شود. به دلیل اینکه طرح ابرها از مجموعه خطوطی مانند مار است، به این جهت بیلان (مار) گفته می شود. فرشی به این نام از قرن نوزده موجود است. شروع فرش بافی ترکمن های افغانستان مربوط به سال ۱۸۸۴ میلادی است.



تصویر ۱۹: نقوش مرکزی و حاشیه ای قبیله ارساری

خواجه رشید الدین فضل ا... همدانی در قرن هفتم هجری ۲۴ قبیله را از ترکمن ها نام برده که ۲۱ قبیله آن، همانم با ۲۲ قبیله ای است که مورد اشاره محمود کاشغری در دیوان لغات الترك (قرن ۳ هجری) می باشد. وی اعتقاد ترکان به توتم را، به این شکل توصیف می کند که، هر قبیله ای به پرندۀ ای احترام می گذارد که نباید لمس و یا خورده شود. دو سلسله آق قویونلو و قراقویونلو و نیز سلسله قاجار، منسوب به ترکمن ها هستند به لحاظ معیشتی عمدتاً دامدار و در گذشته علاوه بر آن راهدار بوده اند و نیز اسب و قاطر و شتر به دیگران اجازه می دادند. در ترکمنستان مرتع زیاد است، دامداری رونق دارد و عمده مردم زندگیشان کوچ نشینی و ایلی بوده و ماده اولیه پشم را به مقدار فراوان و با کیفیت در اختیار دارند. رودخانه های پرآبی در ترکمنستان جاری است که بر مراتع و کشاورزی آن موثر است و در کنار آن رنگینه های گیاهی و طبیعی هم به دست می

آید. هر ایل در ترکمنستان، نقش مایه ها و طرح خاص خود را دارد که به آن گُل می گویند، مثل گل های یموت، چادور، ساریخ، ارساری. لازم به ذکر است که ترکمن های ایران عمدتاً از طایفه یموت هستند.



تصویر ۲۰: نقوش مرکزی و حاشیه ای قبیله تنگه

ترکمنستان زیباترین و منحصر به فرد ترین فرش ها را تولید میکند. چون این فرش ها به طور بین المللی تحت نام های مختلف (مانند بخارایی یا افغانی) فروخته میشوند، خیلی از افراد از ریشه و منشا این فرش ها آگاه نیستند. بافت فرش یک هنر باستانی است. و هر طایفه الگوی متمایز خود را ایجاد کرد. بعضی از این الگو ها آن طور که یافت شده است، از روی سرامیک های قرن سوم و چهارم قبل از میلاد کپی برداری شده اند. فرش های ترکمن به طور سنتی از پشم، کتان، و ابریشم، به دست خانم ها با استفاده از دستگاه های بافندگی افقی بافته میشد. شیوه ی بافت مدرنیزه شده است اما زیبایی و کیفیت بافت از بین نرفته است.

۱۲- تاریخ فرش ترکمن ها:

مارکوپولو در سفر به سرزمین تاتارها، از فرش های ظریف و بسیار زیبای ترکمنی نام برده است، همچنین در نقاشی های باقی مانده از صفویان و یا مدتی قبل از آن، نقوش مشابه نقوش فعلی فرش ترکمن، مشاهده می شود (مثل نقاشی های افرادی چون هولباین)، اما پس از آن، تا دو قرن پیش، سابقه ای مدون، درباره فرش ترکمن در دسترس نیست. با این همه افرادی چون ژنرال شاوزوف، ریشه فرش های ترکمی را در فرش های مصری و آشور پیگیری می کند. سر جورج بدوود می گوید، فرش های قفقاز، کردستان و آسیای مرکزی (ترکمنستان و...) از نظر جزئیات نقشه و هماهنگی رنگ با فرش های قدیم آشور و بابل همانند هستند. پس از آن بوگلی بوف در اوایل قرن بیستم، با نوشتن کتاب فرش های ترکمنی تلاش در گردآوری ویژگی های فرش

ها در ابعاد مختلف داشته است اما به اعتقاد او سابقه ی طولانی برای فرش ترکمن وجود ندارد و عمدتا از قرن ۱۳ به بعد هویت تاریخی پیدا می کند. در ترکمنستان، مردم مدفن بزرگان خود را در تپه هایی قرار می دهند که بعضا مصنوعی است و یا برجستگی طبیعی، نسبت به سایر مناطق دارد.



تصویر ۲۱: فرش دستباف ترکمن

ترکمن ها بر روی نمد یا قالیچه های بافته خود می نشینند و می خوابند. آنها فرش را نه بر اساس تفتن و تجمل بلکه براساس ضرورت می بافند. ولی شماری از این دست بافته ها به گونه ای ظریف از کار در می آیند و از دار جدا می شوند که اطلاق وسیله ی تجمل بر آنها چندان هم بی مورد به نظر نمی رسد. در این مناطق، معمولا کف چادر در زیر با حصیر و سپس با نمد پوشانده می شود و ورودی چادر، با قالیچه ای به نام انسی پوشیده می شود، نوار چادرها که شبیه کتیبه هستند رابطند و در سرتاسر دیوار چادر کیسه هایی است برای نگهداری لوازم، اسباب زندگی و آشپزی که بزرگترین آنها را جوال و کوچکترین آنها را توبره یا توربا می نامند. معمولا زین نمدی و یک قالیچه جانمازی (نماز لیک) و یک جفت خورجین بافته شده همیشه همراه یک ترکمن است ضمنا، ترکمن ها دست بافته های مرغوب خود را نمی فروشند و به عنوان جهیزیه دختران خود نگه می دارند.

کهنه ترین و عمده ترین قالی های ترکمن از قرن نوزدهم میلادی، باقی مانده است. در عین حال که بافت قالی در بین برخی از قبایل ترکمن تأیید نشده است، چندین قبیله که قدیمتر، بزرگتر و نیرومند تر از همه هستند قالی می بافته اند. ایل های بزرگی چون سالور، تکه (که منشعب از ایل سالور است) ساریق، یموت و ارساری و چودر از قدیمترین ایلاتی بوده اند که قالی بافی در آنها رواج داشته است و هر کدام از آنها نقوش مربوط به قبیله خود (توتم) داشته اند. تاریخ قالی ترکمن انعکاسی از تاریخ این قوم است. همچنان که در مورد تاریخ هیچ قبیله یی نمی توان با اطمینان سخن گفت، بیان تاریخ قالی ترکمن نیز خالی از اشکال نیست الگوی کلی قالی ترکمن نشان از تحولات شدید ندارد، زیرا به صورت نقش های تکراری باقی مانده است. این نقش ها بیش از ششصد سال سابقه دارند و در بسیاری از مینیاتورهای قرن هفتم هجری به بعد منعکس شده اند. از

آنجا که کهن ترین قالی به دست آمده ی جهان نیز دارای نقش های تکراری است، باید پذیرفت که نقش های ترکمنی در یک مرحله ی ابتدایی باقی مانده اند. تار و پود قالی های ترکمنی در بعضی از موارد از پشم است و آنها از پشم گوسفندان خود برای بافتن چنین فرش هایی استفاده می کنند. قالی ترکمن را زنان بر روی دار افقی و در درون چادر می افند، در نتیجه بافت قطعات کوچکتر، رواج دارد. علاوه بر قالی، انواع دیگری از بافته های فرش و گلیم گونه نیز که عمدتاً کاربرد ویژه ای دارند در مناطق ترکمن نشین تولید می گردد که از آن جمله می توان به خورجین، آلمالیک و اجاق باشی اشاره کرد. امروزه ترکمن ها، بیشتر به بافت پشته قارچین مشغولند و تقریباً انواع دیگر بافته ها را به فراموشی سپرده اند و اغلب به بافت یک نوع قالیچه مشغولند. گاهی برخی بافنده ها از سر تفتن کیف هایی هم برای خانمها می بافند. امروزه پلاس یا گلیم خیلی کم بافته شده و اجاق باشی یا آلمالیک دیگر بافته نمی شود. بهترین بافته های قالی ترکمن مربوط به "ایل تکه" است. تعداد بافته های ایل تکه کمتر از بافته های دو طایفه یموت است، آتابای در کیفیت بافندگی سپس از تکه قرار دارد و بیشترین حجم قالی را تولید می کند. جعفربای سپس از آتابای قرار دارد و تولید آنها کمتر است

۱۳- نقوش فرش ترکمن در کشورهای همسایه

زمان تولید و بافت فرش ترکمن، آنچه که به منطقه پیدایش خود مربوط است، بسیار طولانی است. اما بعدها در پاره ای مناطق به غلط مسیر خود را طی کرد. این فرش به ناگاه اما به غلط، میهن و سرزمین خود را در بلوچستان در ایالت شرقی ایران یافت. فرش هایی با موتیف های ترکمنی به نام بلوچ بافته شد، که از سوی چادرنشینان بلوچ که در خراسان، بخش غرب افغانستان و بلوچ هایی که بین مرز ایران و ترکمنستان زیست دارند، تولید می شد. فرش های چادرنشینان بلوچ که دارای کیفیت بسیار پایین است، عرب- بلوچ و نوع ظریف و مرغوب آن، کودانی نامیده می شود. در کنار این ها فرش افغان بلوچ نیز وجود دارد که شبیه بشیر- افغان است. در این نوع، فرش های بسیار ظریف و با ارزش مشهد- بلوچ خوانده می شود. در پاکستان نیز فرش افغان- ترکمن بافته یا درست گفته شود، گپیه می شود. مانند، طرح هایی از نوع هاجلو (هاچلی- خاج لی)، پاکستان- بخارا. فرم و شکل ظاهری و سبک طرح فرش افغان به روشنی نشان می دهد که شکل ساده شده و تقلید خشن نمونه فرش ترکمن بخارا و تکه- ترکمن است.

فرش های ترکمن در میان تجار، به غلط تحت عناوین جمع آوری خیوه، پنده، (پنج ده) و بشیر مشهور شده اند. اما تقسیم بندی آنها بر اساس نام قبایل تکه، یموت، ارساری، ساریق و چادور منطق تر است. عالیتترین نمونه فرش ها از رنگ های قهوه ای تیره مایل به قرمز تا قرمز تیره مایل به ارغوانی استفاده می شود. در قسمتهای مرکزی ردیف های گل تکه با واخطوط عمودی افقی سیاه بهم متصل می شوند. در بعضی

از منابع فرش های بافت طوایف وابسته به ایل اساری که در مناطق کوهستانی شمال افغانستان زندگی می کنند. و نیز فرشهایی که در کارگاه های فرش بافی افغانستان به تقلید از آنها تولید می شود. جز فرش های ترکمن به شمار می آید. همچنین بافت طوایف بلوچ خراسان، غرب افغانستان و نواحی مرکزی ایران و ترکستان نیز از جمله فرش های ترکمن محسوب می گردد.

۱۳-۱- فرش های ترکمن قاهره:

به عنوان نمونه در دو قطعه فرش ترکمن مربوط به قرنهای ۱۷ و ۱۸ که در قاهره یافت شده اند. کاربرد رنگها به ویژه آبی روشن به نحوی کاملا بارز با کاربرد رنگها در نمونه های شاخص و شناخته شده فرش ترکمن تا قبل از این تاریخ متفاوت می باشد. به جا ماند این دو نمونه از تولیدات مربوط به قرن های ۱۷ و ۱۸ احتمالا امری استثنایی است. و به نظر می رسد سلیقه مردم اروپا، و بعد مسافت و دوری راه سبب عدم دستیابی فرش های ترکمن به بازار های اروپا شده باشد.

۱۳-۲- فرش های نجبا:

در نمونه های موسوم به فرش های نجبا (Gentle Men's Carpet) یک موتیف یا نقش مکرر هندسی به نجومی هماهنگ و ریتمیک در زمینه ای از رنگ قهوه ای مایل به قرمز تکرار شده است.

۱۳-۳- فرش های آبی بخارا:

در حالیکه در نمونه های موسوم به آبی بخار (Blue Bokhara) که برای تولید آنها از بهترین و مرغوب ترین نوع پشم استفاده شده است. و بافت محکم و پرداختی عالی دارند. رنگ های آبی از تیره تا روشن به کار برده شده است. در بعضی موارد نادر، رنگ زمینه اصلی فرش سفید است. و یا در حاشیه برای رنگ زمینه از رنگی متفاوت با رنگ زمینه اصلی فرش استفاده شده است.

در تولیداتی که عمدتاً به عنوان پرده، ورودی خیمه جانماز و نوار های تزئینی خیمه مورد استفاده قرار می گیرند. و نیز تولیدات قبایل بشیر و بلوچ و نقشی متفاوت از دیگر فرشهای ترکمن به کار گرفته می شود.

۱۴- مناطق بافت فرش ترکمن

به گفته ی شاوروف ترکمن های آسیای صغیر به قالی بافی اشتغال دارند و به زندگی کوچواره در نقاط گوناگون ادامه می دهند. این عده در نزدیکی بروسه در کوه پایه ی المپ به بافتن فرش های کوتاه پرز از پشم بز و گوسفند می پردازند. در منطقه ی غربی خان نشین (مستشرقلیق) بقا واقع در نزدیکی دارد قبیله ی ترکمن یوروخ به بافتن فرش هایی اشتغال دارند که به همین نام معروف است. بالاخره شهرهای کرشهر و موجور در

استان (سنجر) کرشهر نیز از مراکز مهم قالی بافی ترکمنی بشمار می آیند. اگر انسان فرش های ماورای خزر بخارا و افغانستان (از قبیل آنهایی که به پنده، یموت، بشیر، کارشی، قزل ایاق، و ارساری و دیگران تعلق دارد) را با فرش های ایرانی و هندی و ختن (ترکستان غربی چین) مقایسه کند به تمایز بارز هم رنگ و هم طرح آنها پی می برد. تشخیص و تمیز این گروه ها نیاز به تجربه ی زیادی ندارند. طرح سوزن دوزه های سارت ها در بخارا کاملاً از نقش فرش ها متمایزست و خطوط منحنی آذینه های آنها عمدتاً نمایشگر گل و برکت هستند. شیوه مورد استفاده ی ترکمن های ماورای خزر و همچنین مطالعه ی فرش های بخارا و افغانستان ست. فرش های خوکند (خوقند) بویژه فرش هایی که ریشه ی قرقیز داشته و به منطقه ی مرکزی متعلق هستند طرح های هندسی دارند، لکن طرحهای آنها خالص نیستند و مانند فرش های اندیگان غالباً با خط های منحنی ترکیب شده اند. این خصیصه به تاثیر چین غربی اشارت دارد. در اینجا باید توجه داشت که تزیینات فرش های قفقاز شباهت به فرش های ایرانی و ترکمنی دارد. همچنین تشابهی بین آنها و قالیچه های کردی و ترکمنی که بافتی یکدست دارند نیز وجود دارد. اینکه آیا شباهت مزبور ناشی از عاریت گرفتن یا تاثیرپذیر دیگری - به عنوان مثال، مهاجرت پیایی قبایل جنوب از راه قفقاز به شمال - بشمار می آید.

۱۵- ارکان فرش ترکمن

۱۵-۱ مواد اولیه:

۱. پشم:

با توجه به اینکه شغل قالب ترکمن ها دامداری است پشم را به میزان فراوان و البته مرغوب در اختیار دارند، بهترین جنس پشم گوسفندی ترکمن، به نژاد ایرانی و قبیله تکه تعلق دارد که خارجین نامیده می شود.

۲. ابریشم:

در برخی از فرش ها مثل جوال و توربا از ابریشم استفاده می کردند. پرورش ابریشم در میان خمرس ها رواج دارد و خود نیز، در بافت پارچه های ابریشمی، عبا و تن پوش مهارت دارند.

۱۵-۲ رنگینه:

فرش ترکمن، در دورانهای گذشته، تنها از رنگهای گیاهی و سنتی بهره می گرفته است این قوم رنگینه های طبیعی و گیاهی را عمدتاً از هند، ایران و بخارا وارد می کردند، که شامل روناس، نیل و قرمز دانه بود. نوعی رنگ زرد محلی به نام ساری چوب (زردچوبه) نیز استفاده می شد. اما در فاصله ی دو جنگ بین الملل، رنگ های طبیعی که معروف ترین آنها روناس و قرمز دانه بود از بین رفت و رنگ های شیمیایی جای آنها را

گرفت. از ره آورد این جنگها، از بین رفتن رنگ سرخ تیره ی (فلفلی) قدیم بود که به جای آن قرمز روناسی (آنیلین)، استفاده می شود. رنگ در فرش ترکمن محدود است. فرش ترکمن تنوع رنگ آمیزی فرشهای دیگر نقاط ایران را ندارد. سابقاً پنج رنگ (سفید، سیاه، سبز تیره، لاکی تیره، و لاکی متمایل به زرد در فرش ترکمنهای ایران به کار می رفت ولی هم اکنون با تلاش افرادی همچون نیاز جان نیازی این رنگها به عدد دوازده رسیده است تا فرش ترکمنی ایران بتواند گاهی در راه پیشرفت بگذارد. رنگهایی که او افزوده عبارتند از: طوسی، دارچینی، عبایی، قهوه ایبروشن، قهوه یی تیره، طلایی، نخودی و آبی آسمانی، زیتونی، سرمه یی، سبز، مشکی، لاکی.

۱۵-۲-۱- رنگریزی

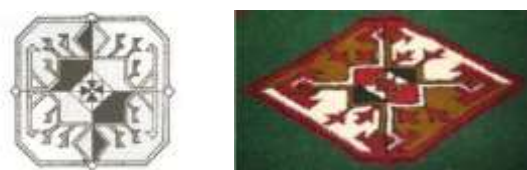
ترکمنها رنگها را از گیاهان مختلفی همچون روناس، برگ مو، پوست انار، پوست گردو، اسپرک به دست آورده و برای رنگ قرمز از قرمز دانه استفاده می کنند، رنگ سرمه ای نیز از نیل بدست می آید. امروزه، اگر بافنده ای بخواهد اصالت فرش ترکمنی را حفظ کند، از رنگریزی گیاهی استفاده می کند ولی با این همه در برخی رنگها، ناگزیر برخی مواد شیمیایی به کار می برد که جز این هم چاره ای نیست. «نقشهای قالی ترکمن با رنگریزی ثابت بافته نمی شوند بلکه تنوع محدودی دارند و این تنوع بیشتر تاریخی است تا جغرافیایی، مثلاً در بافته های قرن سیزدهم هجری ترکمنها، رنگ آبی ویژه یی (نیلی، کبود) به کار می رفته که در قرن چهاردهم متروک شده ولی هم اکنون به یاری هنرمندان از نوزنده شده است.»

۱۵-۲-۲- رنگ فرش ترکمن راه تعیین قدمت:

به دلیل پیروی ترکمنها از سنت ها، کاربرد مکرر یک گل در طرح و نقش گلی فرش، تعیین دقیق قدمت فرش های بافت ترکمن ها آسان نیست. فرش های بافت این منطقه دوردست کمتر به اروپا راه می یافت. و بافت تاریخ تولید در حاشیه فرشها معمول نبود. و از این رو شاید تنها رنگهای مورد استفاده بتواند در تعیین قدمت فرش ها کمک کنید.

۱۵-۳- طرح و نقشه:

در فرش های ترکمنی، ما به يك منبع زیبایی شناسی از کار و تلاش گروهی برمی خوریم که طی نسل های متوالی گردآمده است. بهترین و زیباترین آنها حفظ شده و اگر خطری در کمین این بازمانده های گرانبهای زمان های دوردست و کهن باشد همانا شرایط تمدن و تاراجگری زندگی کنونی ماست که یکایک زیبایی ها را به بی شکلی و نابودی می کشاند. افرادی چون، ری اگل فرش های آسیای مرکزی را تحت عنوان فرش عشایری قرار داده است که ویژگی آن طراحی ساده و ابتدایی است و نقش آنها فقط بازی خط ها و تقلید ابتدایی از طبیعت است. در حالی که بقیه، استدلال این افراد را سطحی دانسته و هر نقشمایه ترکمنی را، در مسائل فرهنگی آن قوم ریشه یابی می کنند. دسته بندی که خود ترکمن ها و محققان آشنا با فرش ترکمن دارند، براساس نقش اصلی فرش که، گل نامیده می شود، می باشد این گل ها همان شکل های مستطیل یا ۶ و ۸ ضلعی هایی هستند که زمینه با متن فرش را پر می کنند و هر قبیله گل مخصوص خود را دارند.



تصویر ۲۲: نقش ۶ ضلعی و ۸ ضلعی

ترکمن با حفظ طرح و نقش سنتی فرش ها و دستبافته های خود در واقع از ارزشهای قبیله خود پاسداری می کنند. هر قبیله گل مخصوص به خود را دارد. و عناوینی مانند گل تکه گل سالور گل ارسار گل ساریق و ... نمایشی از نشان مخصوص یک قبیله است. که چند دهه قبل درتزیین و طرح و نقش قسمت های مرکزی فرش های بزرگ دیده می شود. ایل ساور خود را اصیل ترین و اشرافی ترین قبیله ترکمن و مبتکر هنر فرشبافی می دانستند. هنگامی که در قرن ۱۹ ایل سالور توسط ایلات ته و ساریق منهدم شد گل ساور اهمین خود را به عنوان نشان مخصوص قبیله از دست داد. اما جالب است بدانید که به طور کلی کنار گذاشته نشد. این گل ها عبارتند از:

۱۵-۳-۱ - گل سالور (sālour-e):

این گل کهن ترین نقشمایه فرش های ترکمنی است، که شامل یک هشت ضلعی رنگین است و در گروه سالور، قبیله هایی چون شالورها، تکه های مرو، ساریخ و بخشی از ارساری ها، استفاده می شود. گل سالور هنوز هم یک آذینه اصلی است که، قبایل مختلف از آن استفاده می کنند البته یموت ها کمی آن را تغییر داده اند. نقش گل های هشت ضلعی، که به گل سالور معروف اند، حاشیه و حتی زمینه فرش را پر می کنند. به باور کارشناسان، گل سالور شکل ساده شده یا تجرید و تغییر یافته تصویر شیر است که به تنهایی یا دسته جمعی و پشت به پشت هم در قالی بافته می شوند.



تصویر ۲۳: گل سالور

**۱۵-۳-۲ - گل یموت (Gol-E Yamout):**

جزئیات و ریزه کاری های دور گل شش یا هشت ضلعی یموت، از گل سالور پیچیده تر است. گاهی نیز طرح هایی به سبک جدید از قبیل عقاب و چلیپایی ساده شده، جایگزین گل مزبور می شود. گل سالور، هنرمندانه تر و جزئی تر است و گل یموت تنوع بیشتری دارد. گل یموت در قبایلی مثل یموت، خواجه ها، اعراب، چدورها و گوکلان ها استفاده می شود.



تصویر ۲۴: گل یموت

۱۵-۳-۳ - گل ارساری:

برخلاف دو نوع گل قبلی، گل هشت ضلعی ارساری، بزرگترین و ساده ترین است و به طور قرینه بر زمینه یک رنگی که دامنه آن از زرد تا قرمز پر رنگ در نوسان است قرار گرفته است. این گل در گروه ارساری های مرکب،

از ارساری مرکز و ارساری هایی که در مرز روسیه و بخارا و نیز در افغانستان زندگی می کنند و قبایل بیشه، شاکر، آل علی و... استفاده می شود.



تصویر ۲۵: گل ارساری

۱۵-۳-۴- گل ساریق:

گل هایی هشت ضلعی همچون ترنج لوزی شکل دارند.



تصویر ۲۶: گل ساریق

۱۵-۳-۵- گل چاودور:

لوزی های تو در تو، که دارای قرچک ها و کنگره هایی می باشد.



تصویر ۲۷: گل چاودور

۱۵-۴- بافت، گره و ابعاد:

اصولا ترکمن ها از گره نامتقارن و گاهی از متقارن استفاده می کنند. فرش های ترکمن عمدتا با گره فارسی بافته می شوند. گره ترکی در میان زنان ترکمن چندان رواج ندارد. برای تار از موی بز و یا ابریشم رنگ نشده دولا تاب و راست تاب استفاده می شود. ابریشم به عنوان تار تنها در فرش ها ابریشمی که به ندرت بافته می شود به کار می رود. ایل تکه بیشتر از گره ترکی استفاده می کند ولی در سایر مناطق گره فارسی هم

استفاده می شود. شیرازه متصل در قالیه های ترکمنی به کار می رود. بیشتر قالیه های ترکمن از نوع درشت باف هستند ولی در برخی از ایلها که از ابریشم استفاده می کنند، تا حد رجشمار ۴۰ و ۵۰ دیده می شود.

۱۵-۴-۱- پود فرش ترکمن:

این حکم در مورد پود که معمولاً به صورت دولاتاب و کم تاب به کار می رود نیز مصداق دارد. در نمونه های بسیار عالی و کمیاب از پود یک لا استفاده می شود. پود به ندرت (فقط با رنگ های قرمز و قهوه ای، رنگریزی می شود. از پشم مرغوب به عنوان خامه استفاده می شود. در بعضی موارد، در قطعات کوچک از ابریشم برای بافته گلها استفاده می شود. پنبه نیز اغلب در بافت گره های سفید کاربرد دارد.

۱۶- ویژگی های فرش ترکمن:

نوع گره قالی های ترکمنی هم ترکی و هم فارسی است. ایل تکه بیشتر از گره ترکی استفاده می کند ولی در سایر مناطق گره فارسی هم استفاده میشود. شیرازه متصل در قالی های ترکمنی به کار می رود و گلیم بافی فرشهای آنها از نوع فارسی است. بیشتر قالی های ترکمن از نوع درشت باف هستند ولی در ایل تکه که بیشتر از ابریشم استفاده می کنند، ریز بافی تا حد رج شمار ۴۰ و ۵۰ دیده می شود.

به طور کلی می توان گفت فرش های ترکمن تخت باف هستند. نقشه های ترکمنی اصیل همه تکراری هستند، یعنی از تکرار یک یا چند نقش مایه شکل می گیرند. "جان تامپسن" ویژگی نقوش قالی ترکمن را اینگونه توصیف می کند: ویژگی بافت ترکمن "گل" است. هر کسی روزگاری عملاً در این اندیشه رفته است که این نقش های دقیق چه معنایی دارد. اغلب نظریه ها می گویند که نقش های قالی ترکمن نشانه چیزی است، از جمله نظام آبیاری و مزارع، چادرهای یک اردو، و انواع گل. اندیشه ی دیگر این است که نقش های ترکمن از طرح های در هم رفته و رایج دوره ی تیموری گرفته شده است. این نظریه مبتنی بر شباهت گل های ترکمنی است با نقش های قالی هایی که در مینیاتورها تصویر شده است. متأسفانه شباهت فقط سطحی است... نقش های تمرکز یافته از جمله نیلوفر آبی، شقایق، ابر، موج و نمونه های دیگر رایج هنری از شرق به هنر آسیای مرکزی راه یافته اند. آنها را از قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی) در قالی ترکمن و از قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) در قالی های ایرانی می توان دنبال کرد.... به عقیده او ترکمن ها نقش ها را متمرکز (درهم فشرده) می کرده اند. انزوای فرهنگی آنان را در حفظ طرحهای کهنه کمک کرده است. اگر نقشی در قالی قدیم ترک (عثمانی قدیم و ترکیه امروز) پیدا شود کلید کار است. طبیعی است که تا همین حد اشکالات فراوانی بر این نظریه وارد است، به طوریکه می دانیم، "نیلوفر آبی" یا لوتوس از کهن ترین زمانها در هنر ایرانی رایج بوده است

و در آثار پس از اسلام نیز همیشه دیده است. به عقیده "جان تامپسن" حلقه ابر نماد هر گونه حلقه، روزنه و امثال آن است. و رواج این نقش در قالی های ترک (آسیای صغیر) را به شکل گیری گل ترکمنی مربوط می داند. این حلقه ابر شناخته در ایران "میله بندی و در میان ترکمن ها تمیرچین" (آهن چین) است و در نقش قالی بر مینیاتورهای قرن هشتم هجری دیده می شود. جان تامپسن ترنج هشت گوشه قالی ترک در قرن دوازدهم هجری را منشأ گل‌های ترکمنی می داند در حالی که تنها بخشی از ظاهر آنها به هم شباهت دارد و نموداری نیز در این مورد ارائه داده است. مهمترین مسأله در این است که محققانی نظیر تامپس هیچ گاه به نام اصلی این گل‌ها توجه نمی کنند. در صورتی که گلی از حلقه ابر یا هر چیز دیگر گرفته شده باشد باید نشانی هر قدر هم کوچک و ناچیز از آن سرچشمه در این گل‌ها باشد، در حالی که حتی یک نمونه نمی توان یافت که آنرا بتوان به هنر چین یا آسیای مرکزی پیوند داد. ترکمن ها گل‌های اصلی قالی خود را نام‌هایی داده اند که صورت مهمترین آنها و معنی نام آنها مسائل بسیاری را روشن می کند و چه زیبا گفته است بوگولیوبرف محقق نامی فرش ترکمن: "در فرش ترکمنی، ما به یک منبع زیباشناختی از کار و تلاش گروهی بر می خوریم که طی نسل‌های متوالی گرد آمده است. بهترین و زیباترین آنها حفظ شده و اگر خطری در کمین این باز مانده های گرانبهای زمان های دور دست و کهنه باشد همانا، شرایط تمدن و تاراجگری زندگی کنونی ماست".

۱-۱-۱۶- ویژگی های بافت فرش ترکمن:

مهمترین ویژگی فنی بافت فرش های ترکمن از این است که آنها تک پوده بودن آنهاست (تک پود نازک). در حال حاضر تنها دو نوع فرش و قالی بدین شکل بافته می شود: یکی فرش ترکمن و دیگری فرش بلوچستان. فرش های ترکمن تخت باف هستند. از ویژگی های بارز دار افقی این است که می توان اجزای آن را از هم جدا کرد. که این امر موجب می شود، حمل و نقل آن به آسانی صورت می گیرد. دار افقی ریشه در سنت ترکمن دارد، اما کار کردن با آن آسان نیست زیرا که بافنده ی ترکمن (که عمدتاً زنان ترکمن) مجبور است که تا پایان کار به حالت خمیده بنشینند، بدین جهت ستون فقرات او به آسانی آسیب می بیند، دیگر این که دقت کار با دار عمودی را ندارد. ابعاد قالیچه ها و قالی ها از ۱۲-۱ متر مربع متغیر است.

برای مقابله با دوام کم ناشی از کاربرد پشم نرم فرش های ترکمن معمولاً با تراکم زیاد در رجشمار بالا در بعضی موارد از ۷۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ گره در رسیتمتر مربع بافته می شود. طول پرز (خامه) کوتاه است. و در فرش های قدیمی تر قسمت گلیم بافت فرش بیش از حد طویل و نقوش آن به صورت فرش گره دار بافته می شود. اندازه نمونه های قدیمی تر به ندرت از ۲۳۰ ۳۵۰ سانتی متر تجاوز می کند. بعضی از این نمونه ها چهار گوش

کامل یعنی مربع هستند. بر خلاف سایر قالبافان، ترکمن‌ها در حاشیه و قسمت‌های مرکزی فرش از یک رنگ مشابه به عنوان رنگ زمینه استفاده می‌کنند. اساس نقشه بر تکرار یک گل، ستاره و یک موتیف گل و برگ استیلز شده در ردیف‌های عمودی، مورب، و یا خشتی می‌باشد.

فرش ترکمن از یک حاشیه بزرگ و چند حاشیه کوچک‌تر تشکیل می‌شود. حاشیه بزرگ را اعلم می‌گویند. اعلم به زبان ترکمنی یعنی رنگین کمان. اعلم نیز تنها در دو سمت می‌آید و بعد قطع می‌شود و تمام قالی را مثل حاشیه‌های دیگر دور می‌شود. در فرش ترکمن نقش‌ها تکرار می‌شود. نیز گفته شد از یک حاشیه بزرگ و چند حاشیه کوچک‌تر تشکیل می‌شود. حاشیه بزرگ را اعلم می‌گویند. اعلم به زبان ترکمنی یعنی رنگین کمان. همان‌طور که این پدیده زیبای طبیعی بعد از به وجود آمدن دیری نمی‌پاید، اعلم نیز تنها در دو سمت می‌آید و بعد قطع می‌شود و تمام قالی را مثل حاشیه‌های دیگر دور می‌شود.

داغداغان یعنی قلاب و در اعلم نقشی نیز از داغداغان دیده می‌شود. این درخت در فرهنگ ترکمن، مقدس و محترم است و آن درختی است که چوب آن را به شکل خاص تراشیده و به گردن کودک می‌آویزند تا از نظرهایی که به کودک می‌افتد، صدمه و آسیبی به او نرسد. داغداغان در حقیقت به همین هدف در فرش ترکمنی بافته می‌شود. درمورد حاشیه دیگر باید گفت حاشیه کوچکی که به تقریب بین انواع نقوش ترکمنی به چشم می‌خورد گلی‌ن بارماق است یعنی اثر انگشت که به آن چوپچه برون نیز می‌گویند. در نقش مارگل حاشیه کوچک دیگری نیز وجود دارد به نام آق‌لو به معنی کانال آبی و بالاخره حاشیه دیگری نیز هست به نام پترانگ - قری به معنی پهن شده و پراکنده شده که شبیه عقربی است که دست‌ها و پاهایش را باز کرده باشد و زنان ترکمن از هرچه در اطرافشان بوده سودجسته و از سر هوشیاری آنها را در بافته هایشان آورده اند.

۱۶-۱-۲- جنس قالی و فرش ترکمن:

تار و پود قالی‌های ترکمنی اغلب از پشم است (بیشتر موارد نیز پشم گوسفندان خود). فرش ترکمن را زنان روی دار افقی و در درون چادر می‌افند، در نتیجه بافت قطعات کوچکتر، کاربرد بسیاری دارد.

۱۶-۱-۳- انواع فرش‌ها:

قالی یا فرش ترکمن، همان است که از دیرباز در میان مردم زبانزد بوده است و قالی بافی هنری است که در بین زنان این قوم جایگاه ویژه‌ای داشته است. هنر بافندگی زنان و دختران ترکمن در گذشته، جلوه‌ی خاص و زیبایی شایسته‌ی تحسینی آلاچیق‌ها می‌داده است و امروزه نیز زینت بخش خانه‌ها است. ترکمن‌ها از قدیم، تنها به بافت قالی اکتفا نکرده‌اند و در کنار قالی‌های بزرگ، به بافت محصولات دیگری از جنس قالی

پرداخته اند. این محصولات بنا به نوع و جایگاه استفاده ی آنها نام های خاص خود را دارند که با زندگی روزمره ی مردم مرتبط بوده اند، بنابراین، نوع شکل و ظاهر آنها نیز طبق همین نیاز ها بوده است که به تعدادی از این محصولات اشاره می شود:

۱. کوچمه: نمدی سفید یا خاکستری است که برای زین یا پوشاندن دیوارها ی چادر به کار می رود.
۲. پالاس (پالاس): نوعی گلیم است به شکل مخملی، ولی زمخت با مصارف معمولی.
۳. انسی: فرشی که به عنوان ورودی چادر استفاده می شود.
۴. نمازلیق: قالیچه های سجاده ای است.
۵. خورجین (توبره): به نوع بزرگ آن، جوال می گویند و به نوع کوچک آن توربا می گویند.
۶. نوارهای منقوش: که به عنوان اتصال تیرک های چادر و دیواره چادر، به کار می رود که به صورت تزئینی بافته می شود. برای پیچیدن نمد به دور چوب بست هم استفاده می شود. درازای این نوارها به ۱۳ متر هم می رسد و پهنای آن، بین ۱۳ تا ۲۳ سانتیمتر است.
۷. قالیچه های پشتی.

۱۶-۲- کوچمه:

کوچمه یعنی نمد سفید یا خاکستری رنگ که به منظور پوشش اسب (عرق گیر)، زین و پوشاندن دیوارهای چادرها و مصارف دیگر مورد استفاده قرار می گیرد. کوچمه های تیره رنگ را برای مفروش کردن کف چادرها بکار می برند و این نمدها گاهی دارای نقشه های زینتی هستند. ترکمن ها سالانه حدود شصت هزار کوچمه تولید می کنند که بهترین آنها به قبایل یموت تعلق دارد.

۱۶-۳- پالاس:

پالاس نوعی گلیم است به شکل مخملی، ولی زمخت با مصارف معمولی. (پالاس)، یعنی قالی های بدون پرز، و فرش های گره دار که مخملی یا ماهوتی نیز نامیده می شوند. تقسیم بندی فرش های گره دار برحسب اندازه آنهاست. طول قالی های بزرگ اغلب به شش آرشین (۶٫۵) هم میرسد. فرش های متوسط شامل انسی است که در جلوی در ورودی چادرها می آویزند و قالیچه های کوچک که نمازلیک (سجاده یی) نامیده می شود و برای نماز از آن استفاده می کنند.

۱۶-۴- انسی:

فرشی است که به عنوان ورودی چادر استفاده می شود.

۱۶-۵- نوارهای منقوش:

به عنوان اتصال تیرک های چادر و دیواره چادر، به کار می رود که به صورت تزئینی بافته می شود. درازای این نوارها به ۱۳ متر هم می رسد و پهنای آن، بین ۱۳ تا ۲۳ سانتیمتر است. برخی نوارهای منقوش دارای نقشه های پرزدار یا معروف به برجسته و برخی بدون پرز هستند و از آن ها برای پیچیدن نمذ به دور چوب بست چادرها استفاده می کنند. پهنای این نوارها بین ۱۸ تا ۲۵ سانتیمترست و درازای آنها به ۱۵ متر نیز می رسد.

۱۶-۶- قالیچه های پشتی.

ترکمن ها منطقه ی ماورای خزر سالانه بطور متوسط تعداد هزار پلاس که بهترین آنها متعلق به ایل یموت است، یک هزار و پانصد قطعه فرش، که بهترین آنها به منطقه پنده، مرو و قزل ایاق تعلق دارد، حدود سیصدنوار، که بهترین آنها متعلق به مرو است؛ و در حدود هفت هزارجوال، توبره، خورجین و اشیای کوچک دیگر برای خود تهیه می کنند.

۱۶-۷- انگسی

پرده ای است از جنس فرش در آلاچیق های ترکمن که از قسمت بیرون آلاچیق آویخته می شده است. انگسی فرش نسبتا کوچک و دارای گوشه راست است و قسمت نقش دار پایین آن از قسمت بالا پهن تر است. نقوش انگسی با نقوش فرش هایی که بر روی زمین پهن می شود، متفاوت است.

۱۶-۸- قاپیلیق

محصولی دیگر از جنس فرش است که در داخل خانه با عنوان زینت درها استفاده می شود. به گونه ای که آن را از هر دو طرف در می آویزند. قسمت پایین قاپیلیق دارای سچک است و به نوک سچک ها نیز قبه های کوچک (قوتازجیق لار) بسته می شود.

۱۶-۹- گرمچ

محصولی دیگر از جنس فرش است که برای تزئین ورودی خانه در قسمت بیرونی انگسی نصب می شود.

۱۶-۱۰- اومور- دومان

یکی از دیگر تزئینات است که بسیار ظریف بافته می شود و از آن برای زینت سقف خانه استفاده می شود. قسمت پایین آن با سچک خاتمه می یابد. اومور- دومان جفت بوده و در داخل آلاچیق از بالا به پایین آویخته می شود.

۱۶-۱۱- کجبه لیک، آسمالیق

ترکمن های قدیم در هنگام برگزاری جشن عروسی پسران خود، عروس را با شتر می آورده اند و آن شترها را با استفاده از انواع محصولات قالی، برای خواستگار (گلین آلیجی / آت باشی) تزئین می کرده اند. یکی از این محصولات تزئینی کجبه لیک است که زیبایی خاصی دارد. محصول دیگر فرش به نام آسمالیق نیز باعث زیبایی هر چه بیشتر شکل کجاوه ی عروس می شده است. در روز عروسی به پاهای جلوی شتر، بافته ای دیگر از جنس فرش به نام «دویه دیزلیقی» (زانو بند شتر) می بسته اند. قسمت بالای آسمالیق و کجبه لیک حالت سه گوش داشته است و قسمت پایین آن، چهار گوشه بوده و از دو طرف آن سچک ها و قپه ها (قوتازها) آویخته بوده است که کجاوه ی عروس (آت باشی کجبه) را زیباتر می کرده است. در قدیم کجاوه ی عروس را چند نفر جوان اسب سوار همراهی می کرده اند در حالی که اسب هایشان با بافته هایی زیبا با نام «آت خالی»، «ایچیرگی» و «ایرلیک» تزئین شده بود.

I. آت خالی را بر پشت اسب می اندازند.

II. ایچیرگی بر زیر زین پشت اسب انداخته می شود.

III. ایرلیک بر روی زین اسب انداخته می شود.

۱۶-۱۲- خورجون (خورجین)

بیشتر برای حمل وسایل در زمان مسافرت استفاده می شده است. قسمت روی آن با نقوش ظریف تزئین می شود. معمولا خورجین به زین اسب محکم شده و در داخل آن مواد غذایی را برای مسافرت های طولانی می گذاشتند. خورجین را نوعی کیف از جنس فرش می توان دانست که دو قسمت دارد و برای این که از هر دو طرف اسب آویزان باشد، قسمت ما بین آن را به هم می بافته اند.

۱۶-۱۳- چوال (جوال)

کیسه های بزرگی از جنس فرش هستند که هر دو سمت آن با الیاف دوخته می شود و در گذشته برای نگهداری وسایل خانه و لباس از آن استفاده می شده است. چوال چند نوع دارد: خالی چوال، آق چوال، قزیل چوال.

I. خالی چوال:

جوال های قالی که روی آن با نقوشی بافته شده است، جفت هستند و در کناره ی دو سمت در آویزان می شوند.

II. آق چوال:

گلیم سفیدی است که بر روی زمینه ی آن، نقوشی به ردیف بافته شده اند و از این نظر با سایر محصولات دیگر متفاوت است.

III. قیزیل چوال:

جوالی است که بر روی آن نقوشی به ردیف بافته می شوند که در زمینه ی قرمز مستقر شده اند. علاوه بر این، چوال های دارای نقوش پراکنده هم استفاده می شده اند. جوال ها ضمن هماهنگی با دیگر محصولات فرش، زیبایی خاصی به خانه می داده اند.

۱۶-۱۴- توربا (توبره)

یکی از محصولات قالی که در بین ترکمن های قدیم استفاده از آن رایج بوده است. توربا به خاطر داشتن نقوش زیبا و ظریف، زیبایی خاصی به خانه می داده است. همچنین توברה برای نگه داری لباس، لوزم خانه و ظروف استفاده می شده است. در «چمچه توربا» (توبره قاشق) قاشق ها و در «چاناق توربا» (توبره های ظروف) ظروف نگه داری می شده است.

۱۶-۱۵- «دوز توربا» (توبره نگهداری نمک)

در هر خانه ی ترکمن «دوز توربا» (توبره نگهداری نمک) وجود داشته است. این توברה ها به عنوان وسیله ای مقدس برای حفظ برکت خانه تلقی می شده اند. همچنین «آشیق توربا» (توبره های نگه داری قاپ های استخوانی) وجود داشته است که این نشان دهنده ی جایگاه خاص پسر در خانواده ترکمن است. هر کدام از توברה ها که اندازه های متفاوتی داشته اند، نقوشی متفاوت با سایر توברה ها داشته اند. در انتهای توברה ها، سچک بافته می شده است.

هر کدام از تیره ها و طوایف ترکمن، نقوش قالی مختص به خود را دارند و این تنوع در محصولات قالی نیز قابل مشاهده است، اما آنها را ویژگی های ملی، متحد می سازد و نقوش هر کدام از طوایف، مکمل همدیگر هستند. اما نکته دیگر این است که این محصولات کمتر بافته و یا اصلا بافته نمی شوند و کم کم به فراموشی سپرده شده اند.

۱۷- اهمیت فرش بافی در جوامع ترکمن:

در مقایسه، فرشبافی برای هیچ مردمی به اندازه ترکمن ها اهمیت نداشته است. و زندگی بدون فرش برای ترکمن ها غیر قابل تصور است. استفاده از کپونک برای تزئین سرو گردن شتر عروس و ورودی خیمه خورجین

برای حمل باراهای کوچک انواع جوال و توبره برای نگهداری مایحتاج و لوازم مورد مصرف خانواده از قبیل نمک، قاشق و آینه (آینه قاب) سجاده و جانماز برای انجام فرایض دینی روزانه و سایر بافته های ساده و نقش دار برای پوشش کف و تزئین دیواره های خیمه کم و بیش در میان قبایل کوچ نشین مرسوم بوده است. منحصر به ترکمن ها نمی باشد. اما زمانن ترکمن مهارت خاصی در تولید این گونه محصولات در نهایت زیبایی و ترکیب رنگ دارند.

۱۸- نقوش و طرح های فرش ترکمن:

در قالی بافی، فرش ترکمن پدیده ی ویژه یی است. گاهی ممکن است فرش ایرانی با بافته یی از هند، قفقاز، آناطولی، و حتی دورتر از اینها اشتباه شود. اما در مورد قالی ترکمن، تقریباً چنین اشتباهی نمی شود. زیرا قالی ترکمن برای خود چهره ای مشخص دارد. سرگذشت این قالی ناشناخته است زیرا کهن ترین نمونه های بازمانده ی آن دویست- سیصد ساله هستند. بعلاوه، عشایر معمولاً تاریخ نویسی ندارند، و طبیعی است که از سابقه ی یکی از ساخته های آنان اطلاع درستی نداشته باشیم. در همین بافته ها، با توجه به تنوع ایل ها، قوم ها و تیره ها، نقش ها و نقشه های متنوعی وجود دارد. اما این تنوع در قالی کنونی ایران از بین رفته و به کالایی یکدست و بی تنوع تبدیل شده است.

نقش های تمرکز یافته از جمله نیلوفر آبی، شقایق، ابر، موج و نمونه های دیگر رایج هنری از شرق به هنر آسیای مرکزی راه یافته اند. آنها را از قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی) در قالی ترکمن واز قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) در قالی های ایرانی می توان دنبال کرد. ترکمنها نقشها متمرکز (درهم فشرده) می کرده اند. انزوای فرهنگی آنان را در حفظ طرحهای قدیمی خود کمک کرده است. طبیعی است که تا همین حد اشکالات فراوانی بر این نظریه وارد است، به طوریکه می دانیم، "نیلوفر آبی" یا لوتوس از کهن ترین زمانها در هنر ایرانی رایج بوده است و در آثار پس از اسلام نیز همیشه دیده است. جالب است بدانید که فرش ترکمن را زنان و دختران هنرمند ترکمن بدون آنکه در برابر چشمان آنها نقش و طرحی از فرش باشد بر روی قالی منتقل می کنند.

به گفته زمان ترکمن با حفظ طرح و نقش سنتی فرش ها و دستب بافته های خود در واقع از ارزشهای قبیله خود پاسداری می کنند. هر قبیله گل مخصوص به خود را دارد. و عناوینی مانند گل تکه گل سالور گل ارسار گل ساریق و ... نمایشی از نشان مخصوص یک قبیله است. که چند دهه قبل در تزیین و طرح و نقش قسمت های مرکزی فرش های بزرگ دیده می شود. ایل ساور خود را اصیل ترین و اشرافی ترین قبیله ترکمن و مبتکر هنر فرش بافی می دانستند. هنگامی که در قرن ۱۹ ایل سالور توسط ایلات ته و ساریق منهدم شد گل

ساور اهمین خود را به عنوان نشان مخصوص قبیله از دست داد. اما جالب است بدانید که به طور کلی کنار گذاشته نشد.

۱۹- مفهوم نقوش فرش ترکمن

ریشه های خاستگاه اسطوره ای نه در تجربه، که در میل بازنمایانده می شود. تکرار صور حماسه ها و سمبل ها به دلیل این نیست که مبتنی بر حقیقت اند بلکه دقیقا از آنجا ناشی می شوند که درمقیاس جهانی، بهترین شیوه جلب توجه مخاطب به شمار می روند. دلیل مطلب نیز آنست که خواسته ها و آمال قلبی و موانع رسیدن به آنها عمیق ترین خواست ها و نگرانی های بشر را نشان می دهند. بنابراین در این نظریه مفهومی از سرشت فرهنگ مشترک بشری نهفته است. در این رابطه «فرای» فرمالیست بزرگ غربی ادبیات و هنر را تقلیدی از رؤیای کلی بشر می داند نه تقلید جهان.

تمدن، فرایند تولید صورتهای انسانی در طبیعت (بدون دخالت طبیعت) است. به قول فرای: «اکنون طبیعت در دل انسانی نامتناهی جای دارد که شهرهای خود را از دل کهکشان راه شیری می آفریند. این واقعیت نیست، بلکه محدوده قابل درک یا قابل تخیل میل و کششی است بی انتها، جاودانه و لذا مکاشفه ای است.

با این مقدمه باید گفت که ترکمنها نیز همانند سایر اقوام و جوامع بشری دارای سمبلهای خاص خود هستند که این سمبلها تنها ویژه ترکمنها نیست بلکه به نسبتی در کل جهان می توان آنرا به اقوام مختلف تعمیم داد. بسیاری را عقیده برآنست که ترکمنها قبل از ظهور اسلام توتم پرست بوده اند و عده ای نیز آنها را طبیعت گرا و طبیعت پرست می دانند که حاکی از عدم ارتباط این افراد با طبیعت حکایت دارد. بعضی نیز معتقدند «اغوزها (ترکمن های اولیه) قبل از اسلام پیرو آیین شمینیسیم (بودایی) بوده اند و به خالق خود «اولوغ بایات» (خدای بزرگ) می گفته اند. آنان عناصر طبیعت مانند آفتاب، روشنایی، آب و درخت را مقدس می شمردند. ترکمن ها آفتاب را سمبل پاکی، طهارت و سرزندگی می دانسته اند. قوچ در بین ترکمن ها سمبل قدرت و جنگندگی بوده است. ستاره قطبی نیز برای ترکمن ها محترم بوده و آنرا بعنوان «دمیرقازیق» ستایش می کرده اند. دمیرقازیق بمعنای میخ بزرگ آهنی می باشد. سمبل استواری و استقامت چون در سرزمین ترکمنها وزش باد شمالی همیشه شدیدتر بوده و عامل فروریختن آلاچیق ایشان می شده، آنها میخ بزرگ آلاچیق را همیشه دقیقا رو به شمال (رو به ستاره قطبی) می گرفته اند. ترکمن ها پرنده ها را نماد عروج می دانند، عقرب زرد (ساری اوچیان) را نماد بدیمنی می دانند و معتقدند اگر عنکبوتی از ارتفاع بالا رود بدیمن است و چون پایین بیاید خوش یمن! همینطور آنها به پرندگان شکاری علاقه خاصی داشته اند و چون معمولا قدرت و شوکت در

بین هر قوم و قبیله ای ستودنی ست آنان به این پرندگان به دیده احترام می نگریسته اند بطوری که اکثر «تمغاها» (نشانه های قبایل ۲۴ گانه اغوز) الهام گرفته از بازهای شکاری بوده است و نیز ترکمن ها به اسب به عنوان یک حیوان مقدس می نگرند و هیچگاه تازیانه بر اسب نمی زنند. فیل را سمبل موضع برتر می داند و «فیل پای» را نمادی از عظمت و بزرگی فیل می دانند. آنان به شتر به عنوان یک حیوان صبور و بردبار و نیز به عنوان یک حیوان مبارک و خوش یمن احترام خاصی قائلند. و «آق کوشه ک / شتر سپید» در فرهنگ فولکلور آنان نماد عروسی و سپید بختی می باشد. این سمبل ها همگی در فرش ترکمن بصورت نماد و سمبل آمل و آرزوهای جامعه ترکمنی و بصورت استیلیزه شده، ظهور و بروز یافته و جاودانه مانده اند. شکل و قالب فرش ترکمن و فرش های سایر ملل شرقی، معمولاً از دو محدوده اصلی تشکیل می شود:

۱- متن یا زمینه

۲- حاشیه

در شکل گیری، ترکیب و اتصال نقوش قالیچه ترکمن جز خط راست خط دیگری وجود ندارد. در قالی های ترکمن «موتیف» هایی وجود دارند. فرم هندسی آنها بشکل بیضی (نماد زمین) یا دایره (نماد ماه بدر یا خورشید) است و بمنظور اجتناب از ترسیم خطوط منحنی، این گونه موتیف ها به صورت کثیرالاضلاع های منتظم نزدیک به فرم بیضی یا دایره در نقوش فرش ترکمن جای می گیرند. اندازه طرح «گؤل / نقش» از علائم ممیزه اصلی فرش های قبایل گوناگون ترکمن می باشد. نقش «ساق داق» ترکیبی از ستاره هشت پر به همراه شعاعهای نور منشعب شده از آن یکی از نقوش استعاری فرش ترکمن می باشد که در حواشی پهن قالی به کار می رود. ستاره، نشانه ی کور سوی امید بهنگام تیره روزیها و شکستهای پی در پی می باشد. رنگ ستاره و شعاعهای نوری منشعب از آنها طوری انتخاب می شوند که نمایانگر پرتو نور خورشید باشند (تبدیل کورسوی امید به منبع فیض، سعد و سعادت)، موش در فرهنگ ترکمن نماد دشمن زبون و خوار شده آن ملت است که در پی شکست از ترکمن ها راه فرار را در پیش گرفته است و نقش «سچان ایزی / رد پای موش» در واقع نمادی از این دشمنان شکست خورده می باشد که فرار کرده و تنها ردپایی از خود بجا گذاشته اند. سچان ایزی از کهن ترین نمادهای فرش ترکمن است و چه بسا از آغاز اولین جنگهای تاریخی ترکمنها با آنان بوده است.

نقش «قییچاق» فرم هندسی تغییر یافته نیزه می باشد که به اوساط چهار ضلع «یانقاق / گونه انسان» که کمی بطرف خارج برجستگی دارد متصل می شود و عمود بر آن قرار می گیرد. طول «قییچاق» در جهت طول افقی بلندتر و در جهت عمودی کوتاه تر است. این نقش از نمادهای جنگ است و سمبلی برای تهییج

احساسات ترکمن برای شرکت در نبرد برای حفظ خاک به شمار می رود. آثار شبیه به این نقوش را می توان در میان قبایل سرخپوست آمریکا و نیز قبایل ازتک در آمریکای لاتین مشاهده نمود. نیزه در این نقش به وسط گونه انسان خورده است و این به این معناست که می توان با افزار جنگ، دشمن را مغلوب کرد و خاک وطن را از هجوم دشمن حفظ نمود.

«منجوق» از دیگر نقوش کهن ترکمنی می باشد که از رواج اعتقاد به طلسم و جادو برای دفع ارواح خبیثه در بین اقوام ترکمن در عهد قدیم حکایت می کند. هنرمند ترکمن در تقسیم بندی نقوش، هر خطی را سمبل بخشی از بدن جانور یا قسمتی از گیاه گرفته است. درخت در نظر ترکمن سمبل رشد و بالندگی و رسیدن به کمال است. نقش کبوتر مظهر پرواز و رسیدن به اوج است و نیز از دیگر شاخصه های فرش ترکمن استفاده از دواير پیچ در پیچ به شکل هندسی بسیار زیبا می باشد و این نقوش بر تارک فرش ترکمن فراوان می نشینند. اگرچه بافنده ترکمن به لحاظ تئوری آگاهی نسبت به علم هندسه ندارد اما خود هندسه دان ماهری است که چگونگی بکارگیری زوایا، مناظر، خطوط و نقاط را نیک می داند و به پیچیده ترین شکلی هندسه را درک می کند! نقوش هندسی غیر از دست بافته ها، در زیورآلات، قاب دعا، گل یخه ها و حتی سنگ مزارها و در آرایش احشام ترکمن ها نیز به چشم می خورند. باید گفت ترکمن اهل نقش است، «نقشبند» است و شیفته نقوش هندسی، و «ناقش» (گؤل) در کلام ترکمن هنر نقش اندازی بر اساس نگاره های کهن، جادویی، اسطوره ای و حماسی می باشد. صدای حرکت ایل (صدای سم اسبان وحشی در دشتهای سبز و بیکران، هی هی مردان، همه گوسفندان) صدای آب و باد و طوفان، صدای نفس های صیادان و نمد مالان، خنده ها و گریه های کودکان و مناجات مردان و زنان؛ در برخورد با احساسات، تمنیات، آرزوها و ذهنیات یک بافنده به شکل نقشمایه های فرش متجلی می گردد و در واقع نقش چیزی جز ورود یک ذهن پرسشگر به تاریکترین و اسرار آمیزترین قسمت زندگی وی نیست و حدیث مکاشفه بافنده زن فرش ترکمن در رابطه با ایل و طبیعت نیز در همین نکته متجلی می گردد. ثروت و فقر، سلامت و بیماری، غم و شادی، بیم و امید، جنگ و صلح، هستی و نیستی در بین اقوام ترکمن به یکدیگر پیوسته اند و بر اساس این مبارزه و جدال دائمی انسان و محیط برای هستن و بودن است که حماسه ها جان می گیرند، افسانه ها و داستانها از دل انسان ها زائیده می شوند و نمادها، نشانه ها و سمبل ها به وجود می آیند و به این ترتیب باورها و برداشتها بر خانه دل و تاریک ذهن می نشینند و عصاره فرهنگ، هنر و اعتقادات مردم ترکمن بصورت نقشمایه های جان در تار و پود قالین جان می گیرد و جاودانه می شود.

درباره معماری ذهنی بافندگان زن ترکمن باید گفت ترکمن‌ها- بنا به شرایط محیط و نحوه زیست قبیله ای- دارای ذهنیت ساده و درک بی واسطه ای از زندگی هستند ولی این سادگی ذهن را در قالب پیچیده ترین طرحها بازتاب داده اند. زن ترکمن کنش عقلمند ساده و بی پیرایه ای دارد ولی این کنشها به غامض ترین اشکال و رمز آلودترین نوع در نقوش فرشها بازنمایی می شوند. وی بر اساس معماری ذهن خود ساده ترین شکل‌های طبیعی را به صورتی پیچیده به نقش می کشد و به باوری، وی ساده می اندیشد و پیچیده می آفریند. پیچیده ترین اشکال در فرش ترکمن، اشکال زیستی است و در عین حال رؤیایی ترین نقوش ترکمنی نیز به شمار می رود. این نقوش آرمان ها و ایده آل های قوم ترکمن را برای زیستن در سرزمینی وسیع با چشم اندازی طبیعی در داخل خانه هایی با معماری دایره وار (آلاچیق) که سمبل نامتناهی بودن است به نمایش می گذارند. آلاچیق مأمن امنی برای ترکمن هاست که معماری آن براساس نیازهای طبیعی و سازگار با محیط اطراف وی ساخته شده است. مواد سازنده آلاچیق - نی چوب و نمد است که هر سه این ابزار را ترکمن ها از طبیعت اطراف می گیرند. چوب و نی از جنگلهای اطراف آنها تأمین می شود و نمد نیز حاصل تلاش زنان است که از پشم گوسفند حاصل می آید. نقش آلاچیق در قالی ترکمن هیچگاه بصورت مشخص و ویژه جلوه نکرده است اما دوایر متعدد و نیز اشکال و نقوش شبیه به آلاچیق در فرشهای ترکمن مؤید برداشت و طرز تلقی متفاوت زنان ترکمن از زیست- بوم اطرافشان می باشد. در نهایت باید افزود که تمامی هنرهای مردم ترکمن ارتباط مستقیمی با طبیعت اطراف دارند و محیط و طبیعت مادر، منشا و سرچشمه زایش هنر در میان مردم ترکمن می باشند. بازنمایاندن نقوش فرش ترکمن نیز چیزی جز بررسی رابطه بین سمبل های طبیعی و جاری بین این ملت و نیز تدقیق در ارتباط بین معماری ذهنی زنان ترکمن با طبیعت پیرامون نیست. و این امر میتواند در حالت کلی تر یک قاعده برای مطالعات بیشتر روی فرش ترکمن باشد.

۲۰- مهم ترین گلهای قالی ترکمن

۱. فیل پای گول (Filpay gül) به معنی نقش کف پای فیل. نام گل بزرگی است (قابل مقایسه با چپات اشتر در سیستانی به معنی کف پای شتر).
۲. چمچه (čemče) به معنی چمچه چمچه لغت فارسی است به معنی فاشق گود.
۳. کجه (kejebe) به معنی کجاوه و گرفته از تلفظ بسیار قدیم واژه یعنی کجابه
۴. گولی گول (Gulli gül) به معنی نقش گل گلدان و آن نقش مایه یی است دارای گل های ریز
۵. دغا (doqā) به معنی طلسم. در ترکی ریشه ندارد و همان دعاست.

۶. سکیز کله (Sekizkelle) به معنی هشت کله (سر). ترجمه از فارسی است.
۷. سکیز قاپی (Sekizgāpi) به معنی هشت در. ترجمه ی نادرست هشت بر است.
۸. چرخ پلک (Çarxpalak) به معنی چرخ فلک.
۹. آینا یا آینا گل (āynāgöl) به معنی نقش آینه.
۱۰. آت ایاقی (ātayāqi) پای اسب به تقلید از فیلیپ گول

همانگونه که قبلاً ذکر شد، اکثر نقوش قالی های ترکمنی از آنجائیکه بر گرفته از اشیاء کاربردی خاص و یا نمونه های طبیعی مشخص هستند لذا در اکثر موارد به همان نام موسوم شده اند. که برای نمونه موارد زیر را ذکر می نمائیم:

آدینه هم آدین (زبور) و هم شکل زیور زرین	آینا، آینه، آیناقوچک (ترکیبی از آینه و قوچک)	انتک، آدین (آذینک)
آلا و ترکیب های با آن (سرخ، چند رنگ)	آق سرای (سرای سپید)	چمچه (چمچه)
آلمایاگی (باغ سیب)	اره گل (ترنجی که حاشیه ی دنداندار، مثل اره دارد)	بادام
بستان (بوستان)	برکرک (رگبرگ)	بغلک (بغلک ستون، اصطلاح معماری)
بوتا (بوته، بته)	بورک (سه گوشه، سیستانی: بورک)	پچ (پیچ) پارسی گل
پنجه گیره (دستگیره، پنجه گیره)	آلتی بازار (شش بازار، تقلید از چهار بازار، چهار سوق فارسی)	تاواچقا (طبقچه)
ترس حلقه (حلقه ی بر عکس)	تک بنت (ترک بند)	دالموچ (دالموش)
تومار (طومار)	تویه تایان (پای شتر، سیستانی: چپات اشتر)	تلبرگ (رگبرگ)
جودور (چاودار، جودانه)	جوز ، جوز ، گردو (Juz)	کرکم (نقش ریز)
چرخ پلک (چرخ فلک)	تمیر چین گل (ترنج آهنین، ترنج دارای میله بندی)	چووال گل (ترنج جوال)
قارچین گل (ترنج خورچین)	سکر گل (شکر گل، گلشتر)	خمتر (خمناز، قیقاج)
سکر گیشیک (آب نبات)	خوناوا (خونابه، لکه ی سرخ)	دغا (دعا، بازوبند)
هراتی (شبییه ماهی درهم)	چتنک (چیده، شطرنجی، سیستانی: چیتانک)	دغدن (داغدان)
رگمه (رگه، ردیف)	زولفی زر (زلف زر، رشته ی زرین)	زنجیر لیک (زنجیره)
ساری گیره (گیره ی زرد)	ساندیق (صندوق، نوعی ترنج)	سگداغ گول (گل سگداغ، داغ سگ)
سیمک: شخک (شاخک)	شهی نوز (شهنواز)	شیر پنجه (پنجه ی شیر)
غازایاق (پای غاز، پنجه ی غاز)	قچک (قوچک، سر قوچ)	کاساکلکن (کاسه ی گلکن)
کاسه ی گلین که از خود نقش دارد)	گلین یارماقی (انگشت عروس) در فارسی انگشت یا ابروی عروس	کمر (کمر)
کله (کله)	کوبر گه (دنده، ترجمه ی غلطی از دندان)	گولپر (گلپر)
گول (gül)	گل (گولی گل (گل گلداز، ترنج گلداز)	قورباغا (قورباغه)
گومبذ (گنبد)	گیره (گیره)	گیچک (کچک، زلفین)
گیلیم (گلیم، نقش گلیم)	مشتی (مشهدی)	مورغان (مرغان)
میحراب (محراب، مهرب)	نقشی گشت (نقش گشت، شطرنجی)	نلداغ (نعلدان، داغ حاصل از نعل)

و تعدادی دیگر... همانگونه که می بینیم اکثر نقشمایه ها نام ترکی دارند ولی ممکن است در میدان هر قوم دیگری دیده شوند. مثلاً: "داراق" (شانه) از منتهی الیه شمال قفقاز تا میان لرها قشقایی ها و بلوچ ها و یا "سو" (آب)، آق سو (آب روشن) حاشیه باریکی است که در تمام ایران آب یا راه نامیده می شود و یا "آل منجیک" (منجوق سرخ) حاشیه ای از دامنه های ریز است که در ایران منجوق مروارید و امثال آن نامیده می شود.

بعضی از نقشمایه های آنان هم به اعتقادات قبل از اسلام بر می گردد مثل: القم (نوعی نشان) و بش آی (پنج ماه) و گرته انواع گل (göl) یا آبگیر (برابر ترنج یا حوض فارسی)، جولبارس تاپان (پای پلنگ)؛ دیرناق (ناخن)، اریک گول (گل زرد آلو)؛ ایاق (پا) و... نامهای عادی برای نقش های معروف است.

در آثار مردم شناسی به برخی از نشانه های کهن ترکمن ها نیز بر می خوریم، نقش هایی مثل نر و ماده (از نقش های اصیل قوم کوچ نشین) طلسم و امثال آن، دیده می شود. می توانیم بگوییم که اصولاً عشایر به حسب فرهنگ و نوع زندگی خود نمی توانند نقش مایه هایی پیچیده داشته باشند و اگر اتفاقاً مورد پیچیده ای پیش آید نشان ذوق آزمایی است و بهترین نمونه آن در میان قشقایی ها است دسته ای از گل های ترکمن به نام ایل معروفند و معمولاً با نام ایل به کار می روند، مثل سالور گل، تکه گل و..

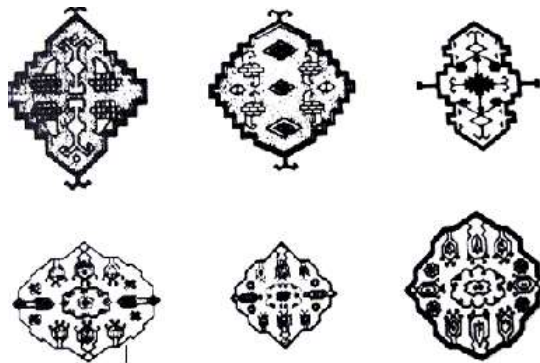
۲۱- گول (gül) و ویژگی های آن در قالی ترکمن

گول (gül) از قدیم ترین نمونه های قالی ترکمن تاکنون و مهم ترین نقش مایه های قالی این قومند و در واقع بیش از هر نماد یا نشان دیگری، دلیل وابستگی بافته به ایل خاصی هستند. دقت در این گل ها چیزی از علائم قومی، مثل نشان یا توتم را کشف نمی کند. این گل ها اساساً هشت ضلعی هستند اما گاه تغییراتی می کنند. در این تغییرها زائده ها یا تزیین هایی به قالب اصلی اضافه می شود. تغییراتی بیرون هشت ضلعی ها، اضافه شدن قطعات دوزنقه شکل است که در همه ی اضلاع صورت می گیرد ولی هیچوقت بیش از نیمی از طول ضلع را نمی گیرد. در دو ضلع جانبی کنگره ی بزرگی هم افزوده می شود که دوزنقه را در بر می گیرد. شکل اصلی معمولاً دارای دو محور است و این محورها فقط در پهلوه ها تا منتهی الیه کنگره ها ادامه می یابد و به این ترتیب معمولاً تمام گل به وسیله ی این دو محور به چهار قسمت متقارن تقسیم می شود. در درون هشت ضلعی ممکن است هشت ضلعی دیگری، یک تا سه چهار ضلعی تو در تو یا شکل هایی با اضلاع موج دار پدید آیند. در فاصله ی این شکل ها تزیین های اضافه تری مثل گل (شبدر، گشنیز یا جعفری)، مرغ، میله بندی، خاج، ضربدر و... قرار می گیرد و به این ترتیب مجموعه ی گول به صورت یک نقش پیچیده ی اسرار آمیز جلوه می کند. این نقش مایه اکنون در قالی ترکمن دارای بیش از بیست شکل مختلف و به ویژه نوع خاصی در هر ایل، طایفه یا حتی تیره است و میان همه ی ترک زبانان هم به گول (gül) معروف است و در میان عشایر و روستاییان

فارسی زبان حوض نامیده می شود. گول ترکمنی همان ترنج ایرانی است و در نقشه ی قالی های ترکمنی تکرار می شود. این نوع نقشه، یعنی نقشه ی با گل های تکراری (ترنج ترنج) تا پیش از دوره ی تیموری در قالی های گرانبها و درباری ایران رایج بوده است و در مینیاتورهای قرن های هشتم و نهم و اوایل قرن دهم هجری دیده می شود. اکنون گول های ترکمن دو دسته اند:

۱- بسیار شبیه به هم

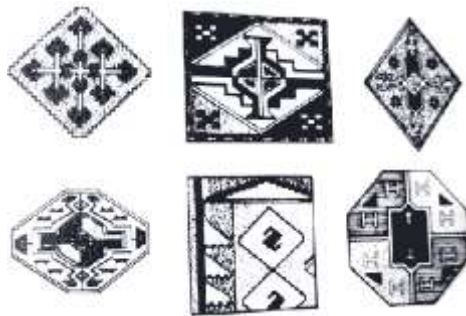
اگر آنها را با هم مقایسه کنیم، می توانیم به این نتیجه برسیم که احتمالاً سرچشمه ی همه ی آنها یکی بوده و در ذوق آزمایی های قومی از هم فاصله گرفته اند.



تصویر ۲۹ گل های مشابه

۲- غیر مشابه

گل های این دسته شباهتی به گل های دیگر ندارند و احتمالاً هر یک سرچشمه ی جداگانه یی داشته اند.



تصویر ۳۰ گل های غیر مشابه

۲۱-۱- نقش ماری گول

۱. پس از ظهور اسلام و گسترش آن در آسیای مرکزی، گویا فرش تحت تاثیر دین اسلام و فرهنگ عرب قرار گرفته است و بر اساس آن مصور ساختن بودنی های زنده نهی شده بود و زنان ترکمن با توجه باین مساله در خلق آثار خود بر سر دو راهی قرار گرفته و بالاخره برای تصویر کردن شتر که در زندگی و بقاء آنان نقش عمده ای داشته با بهره گیری از اندیشه خود، جای پای شتر را روی فرش با عنوان: کوشک داونی، خلق کرده است، بنابراین اسکلته اصلی نقش ماری گول جای پای شتر است.
 ۲. دومین مساله ای که در این نقش به چشم می خورد شکل پرندگان است. زن بعد از تصویر کردن جای پای شتر دشت بیکران محیط را نظاره کرده و پرندگان آن را در حال پرواز دیده و زیبایی پرندگان را در حال پرواز حس کرده و بعد آنرا روی همان نماد تحت عنوان « اوچ قوششوق » به معنی سه پرنده کوچک آذین بندی کرده است.
 ۳. شاخ قوچ در پایین و بالا آذین بندی شده است.
 ۴. ترکمن ها گویا قبل از اسلام گویا خوک نگهداری می کردند و یا این حیوان در زندگی آنان نقش داشته است، زیرا در این نقش در سمت راست و چپ نوک خوک با نام «دونگر برون» آذین بندی شده است.
 ۵. در مرکزیت این شکل ستاره هشت پر دیده می شود که در اصطلاح محلی به آن «صندوق گل» نامیده می شود، صندوق به مناسبت جای دادن اشیا و لوازم شخصی زنان، اهمیت خاصی در زندگی ایل نشینی داشته است، بخصوص اینکه در مواقع کوچ عشایر صندوق و حفظ آن اهمیت پیدا می کرد، زیرا گرانبهاترین و مهمترین وسائل، در داخل صندوق قرار داده می شد، بنابراین صندوق نظر به اهمیت آن در در داخل نقش جای داده شده است.
- ماری گل، که بعضی ها آنرا (قوش گل) هم می نامند، معرف و سنبل طایفه یموت است و در نزد طوایف ترکمن، مادر گل ها لقب گرفته، زیرا طوایف ترکمن با تغییرات جزئی در نمادهای آن، شکل حاصل را بنام طایفه خود ثبت کرده اند و بدین ترتیب با مرکزیت قرار دادن این گل و آذین بندی حاشیه های آن بر اساس سلیقه زنان، انواع گل ها بنام طوایف از آن منشعب شده و برای مثال «گل ارساری» بجای سه پرنده از سه گل استفاده کرده و نقش حاصل را به عنوان «گل ساری» در بین طایفه خود رواج داده اند.



تصویر ۳۱: نقش ماری گل

۱. کل شکل جای پای شتر
۲. پرندگان در چهار گوش
۳. شاخ قوچ در پایین و بالا
۴. نوک خوک در راست و چپ
۵. ستاره هشت پر در داخل

۲۱-۲- نقش آینه گل

زنان ترکمن به محیط اطراف خود و زندگی خود توجه داشته و با احساس و اندیشه خود، مهمترین و حیاتی ترین مسائل زندگی خود را در شکل نقش ها و طرح ها بیان می نمودند، در این رابطه آلاچیق (خانه)، احشام و در رأس آنها قوچ و شاخ قوچ به عنوان سمبل شجاعت و پرندگان، چیزهایی بودند که ذهن آنان را به خود مشغول داشته و باعث خلق آثار هنری آنان گشته اند. در آینه گل این چیزها به وضوح دیده می شود.

۱- آینه:

همانطوریکه در شکل ملاحظه می شود در وسط این شکل آینه بزرگی که اقتباس از زندگی آنان استقرار داده شده و در واقع این آینه، انعکاس زندگی قوم ترکمن است.

۲- شاخ قوچ:

در سمت راست آینه ۳ شاخ قوچ و در سمت چپ آن نیز سه شاخ قوچ دیگر آذین بندی شده است.

۳- آلاچیق:

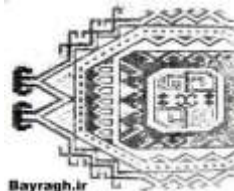
در سمت بالای آینه سه آلاچیق و در سمت پایین آن سه آلاچیق به عنوان مأمن و پناهگاه ترکمن آورده شده است.

۴- شکل پرنده:

در سمت راست و چپ حاشیه آئینه و بین شاخهای مرکزی و بیرونی نوک پرنده در طرفین دیده می شود که به آن در اصطلاح محلی «چوپچه بُرون» می نامند. به عقیده آقای نیازی (کارشناس و متخصص فرش) در اصل این شکل سر انگشت عروس و یا بافنده آن بوده است، زیرا این شکل در اصطلاح محلی «گلین بارماق» یعنی سر انگشت عروس بکار می رود.

۵- شکل داخل آئینه:

در داخل آئینه هم اشکال کوچک دیگری بکار رفته که این اشکال اغلب در پشتی ها و توبره ها به کار می روند. این گل متعلق به طایفه یموت است، اما نکته قابل توجه در گل آئینه این است که طایفه تکه اطراف این گل را با شاخ های قوچ آذین بندی می کنند و به آن در اصطلاح محلی «قرق قوچاق» یعنی چهل شاخ قوچ می نامند.



تصویر ۳۲: نقش آئینه گل

۲۱-۳- نقش قفسه گل

زنان ترکمن، پرندگان و زندگی آنان در محیط اطراف بدقت ملاحظه کرده و حتی نحوه حفاظت پرندگان از بچه هایش را دیده و این حس و درک را در اندیشه خود پرورانده و این مساله را به طریقی در کنار دیگر آثار خود خلق کرده است و نقش قفسه گل در واقع نحوه حفاظت پرنده از بچه هایش در محیط باز در کنار دریای خزر است. این نقش مخصوص طایفه یموت (جعفربای) است، زیرا این طایفه در مسیر کوچ و حرکت خود از آسیای مرکزی به سمت غرب، به کنار دریای خزر رسیده و در شرق آن ساکن شده اند و بعد با توجه به شرایط زیست خود آن گل را خلق نموده اند. از مشاهده این گل مطلب زیر مفهوم می گردد.

۱- این گل در اصطلاح محلی قفسه گل نامیده می شود، این لغت از ریشه حصار کردن و محافظت کردن گرفته شده و شکل لانه یک پرنده است که در سواحل دریای خزر زندگی می کرده و زنان ترکمن آنرا با اندیشه خود روی فرش آورده اند.

۲- این لانه در زیر آسمان و در یک محیط باز و در دشت و صحرا بوده و در وسط آن یک ستاره هشت پر دیده می شود که گویا آرامش محیط و آسمان پرستاره است.

- ۳- جوجه ها، این شکل گویای این است که پرنده ای روی جوجه ها خوابیده و در هر سمت پنج جوجه از زیر بال پرنده سر در آورده و در مجموع سر، ده جوجه در طرفین دیده می شود.
- ۴- لنگر کشتی، در حاشیه این گل، لنگر کشتی آذین شده که نشان دهنده سکونت مردم در کنار دریا ست.

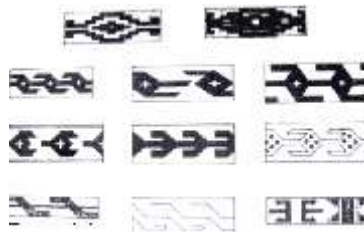


تصویر ۳۳: نقش قفسه گل

پس از ظهور اسلام و گسترش آن در آسیای میانه، مذهب بر اندیشه ابداع کننده اثر گذاشت، از آنجا که اسلام به تصویر درآوردن بودنی های زنده را نهی می کرد، به این فکر افتادند که از نقش قوچ فقط به نشان دادن شاخهایش اکتفا کنند. یا از نقش شتر، تنها اثر پنجه اش را بر خاک دشت نشان دهند. به همین دلیل مارگل، کوشک دوانی یا اثر پای بچه شتر خوانده می شود. پرندگان و نقوشی از پوزه خاک و ستاره هشت پر نیز که مربوط به قبل از اسلام است در فرش های ترکمن دیده شده است. بافندگان فرش با تلفیق هنرمندانه چند موضوع و قراردادن نمادهایی از آنها در کنار یکدیگر نقشی را ابداع می کنند که اندیشه هنری آنها را ارضا کند.

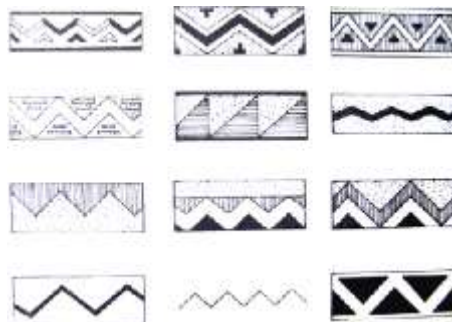
۲۱-۴- ساندوق (صندوق):

را هم باید از انواع حوض شمرد؛ دسته ی دیگری از نقش مایه های ترکمنی مانند قچک؛ بوبنوز یا موبنوز (شاخ)؛ آلتی ایپ (شش بند)؛ دورلی قچک؛ قوچکر؛ همه ی انواع قوچکرک؛ موئیز (شاخ)؛ عمده بی از انواع پودک؛ سینک؛ زنجیر لیک؛ شخک؛ سکیز کله (هشت کله) و حتی او شورمه همه دارای یک سرچشمه هستند و می توان آنها را با هم مقایسه کرد.



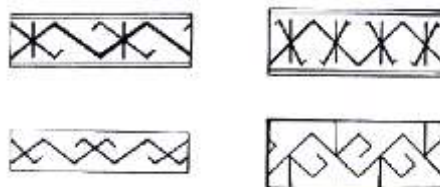
۲۱-۵- چخماق

نقش های خان قمچی؛ ایت قویروق؛ زر حلقه (در متن: سر حلقه)؛ ساری ایچان؛ ترس حلقه (در متن: ترس حلقه)؛ القم؛ باقیشتاچکسی (Bāgištačakasi)، چخماق (Čakmak)، تویه میون، رگمه و انواعی از لجک دارای سرچشمه ی مشترکند.



۲۱-۶- خمتاز

عده بی از نقش مایه های معروف به خمتاز (در متن: chamtos؛ لیوف (lyuf) و مارک (در متن: morak) یکی هستند.



۲۱-۷- تعویذ

سرباز از نوع دعا و القم است؛ خیزابی یا سگ زنجیری ترکمن (آلمانی Laufender Hund) که عقرب زرد (ساری ایچان)، شمرده شده است و انواعی از سیرغا (گوشواره) یکی هستند و همه از انواع تعویذ (دعای بازبندی برای دفع چشم زخم) و امثال آن گرفته شده اند و القم و دعا را به خاطر می آورند. ارگنگ قشته، ارکشیک، انواعی از آلتی ایپ، گیره، ایرمک قشنه، پیچاق اوجی و تکوزجیپ یک هستند. ترکمنها قومی کم آمیزش و محدود بوده اند و به همین دلیل تعداد کمی نقش پذیرفته اند، اغلب نقشهای قالی آنان تکراری بوده و گاه در بعضی قالیها بیست نقش به کار می رود. نقشهای اقوام مختلف با هم فرق دارند و تفاوتهایی از همدیگر قابل تشخیص اند



تصویر ۳۴: مار گل، نماد قوم ترکمن



تصویر ۳۵: کاروان شتر



تصویر ۳۶: نقش عقاب (طغر) متعلق به طایفه ی جعفربای

۲۲- سوابق تاریخی فرش ترکمن ایران

ترکمن های ایران در منطقه ترکمن صحرا واقع در مرز شمالی ایران و جمهوری ترکمنستان و همچنین در قسمت شمال شرقی خراسان زندگی می کنند. اغلب ترکمنهای ایران را طوایف یموت، گوکلان، سالیر و همچنین ساریق و تکه تشکیل می دهند. مردم ترکمن اگر چه اصالت خود را حفظ کرده اند، سنتهای فراوانی را چه در جنگهای قبیله یی، چه در جنگ با همسایگان و چه تحت تأثیر فرهنگ های مسلط همسایگان از دست داده اند، به طوری که پیگیری تاریخ آنان کار آسانی نیست. این قوم بیش از هر کالایی به فرش های خود علاقمند بوده و آنها را به شکل ها و اندازه های گوناگون می بافته اند تا نیازهای متنوع زندگی کوچ نشینی و نیمه کوچ نشینی را برآورد، نمادهای آن نوع زندگی را یادآوری کند و مایه ی شادی زندگی کوچ نشینی باشد. بنیاد اقتصادی زندگی اغلب ترکمن ها، مثل همه ی عشایر، دامداری است. با وجود این، اوضاع جغرافیایی و سیاسی گاه امکانات بهتری مثل کشاورزی را فراهم می آورد. زنان عشایر و از جمله ترکمن ها در انواع بافته ها چنان کاردان و مسلط بودند که با ساده ترین ابزارها مجموعه ی متنوع و شگفت انگیزی را ایجاد می کردند که

گاه، به ویژه هنگام عروسی، بر روی شتر و اسب به نمایش گذاشته می شد. در عین حال، همین فرش ها، هر اندازه با دقت و زیبا بافته شده بود، زیر دست و پا و در زندگی گذرا و ناپایدار و در عین حال پر غرور و حادثه ی ترکمن ها از بین می رفت. به همین دلیل، تنها نمونه هایی باقی مانده است که یا پیشامد یا دست بیگانه یی که با اعجاب و تحسین به سوی آنها رفته، انواع قابل توجهی را از گزند روزگار نکه داشته است. کهنه ترین این نمونه ها از قرن دوازدهم هجری (هیجدهم میلادی) عقب تر نمی رود، و به همین دلیل، تاریخ قالی ترکمن اساساً روشن نیست. از میان قبایل مختلفی که قالیبافی در آنها رواج داشته است (در قرون گذشته) فقط نام سه قبیله کهنه به جای مانده که از قالیبافی آن سختن رفته است: سالور، چدر (جولدر، دولدر) و ایمدلی (ایمور، المور). کهنه ترین و عمده ترین قالی های ترکمن از قرن نوزدهم میلادی، باقی مانده است. در عین حال که بافت قالی در بین برخی از قبایل ترکمن تأیید نشده است، چندین قبیله که قدیمتر، بزرگتر و نیرومندتر از همه هستند قالی می بافته اند. ایل های بزرگی چون سالور، تکه (که منشعب از ایل سالور است)، ساریک، یموت و ارساری و چدر از قدیمترین ایلاتی بوده اند که قالیبافی در آنها رواج داشته است و هر کدام از آنها نقوش مربوط به قبیله خود (توتم) داشته اند. تاریخ قالی ترکمن انعکاسی از تاریخ این قوم است. همچنان که در مورد تاریخ هیچ قبیله یی نمی توان با اطمینان سخن گفت، بیان تاریخ قالی ترکمن نیز خالی از اشکال نیست الگوی کلی قالی ترکمن نشان از تحولات شدید ندارد، زیرا به صورت نقش های تکراری باقی مانده است. این نقش ها در ایران بیش از ششصد سال سابقه دارند و در بسیاری از مینیاتورهای قرن هفتم هجری به بعد منعکس شده اند. از آنجا که کهن ترین قالی به دست آمده ی جهان نیز دارای نقش های تکراری است، باید پذیرفت که نقش های ترکمنی در یک مرحله ی ابتدایی باقی مانده اند.

۲۲-۱- گل در فرش ترکمن ایران

یکی از نقش مایه ها که اکنون در قالی ترکمن دارای بیش از بیست شکل مختلف و به ویژه نوع خاصی در هر ایل، طایفه یا حتی تیره است، همان چیزی است که در میان همه ی ترک زبانان هم به گول معروف است و در میان عشایر و روستاییان فارسی زبان حوض نامیده می شود. گل ترکمنی همان ترنج ایرانی است و در نقشه ی قالی های ترکمنی تکرار می شود. این نوع نقشه، یعنی نقشه ی با گل های تکراری (ترنج ترنج) تا پیش از دوره ی تیموری در قالی های گرانبها و درباری ایران رایج بوده است و در مینیاتورهای قرن های هشتم و نهم و اوایل قرن دهم هجری دیده می شود.

۲۳- برخی مفاهیم در فرش های ترکمن

۱. آینه قاپ: جلد یا پوشش آینه

۲. آیات لیق: فرشی برای مراسم تدفین
۳. آیاق لیق: فرش عبادت و نماز
۴. آق سو: فرش چادر نشینان ترکستان شرقی
۵. آراب (عرب): نشان فرش ترکمنی برای فرش های بلوچ
۶. اُسمولدوق یا آسمالدیق: فرش زینتی پنج ضلعی برای شتر عروس در مراسم ازدواج (یمود)
۷. اوقوچی: پوشش بافته شده برای نگهداری چوب یا میله چادر ترکمنی
۸. اُنقون (Oneghun): توتم و نشان ترکمنی (آسیای مرکزی).
۹. اُجاق باشی: به شکل حرف لاتین U
۱۰. بِل یوپ: نوار و تسمه چادر
۱۱. بو (Bou): بند زینتی چادر یا یورت ترکمنی
۱۲. طرح شکل T: طرح تزئینی در فرش نشانه حاشیه فرش های ترکستانی و چینی همچنین در شکل دو تا T.
۱۳. توتاش (Tutash): برای دستگیره (وسیله آشپزخانه) بکار می رود.
۱۴. توربا (Torba): کیف یا کیسه کوچک در یورت ترکمن، مانند (تکه توربا).
۱۵. تاینق چا: پوششی برای اسب.
۱۶. چالیق: در جشن عروسی ترکمنی بر روی سینه شتر زینت می شود.
۱۷. چرلیک: پوشش کمیاب زین اسب.
۱۸. چوول: کیسه یا کیف یورت (چادر) ترکمن ها. واژه ای است ترکمنی.
۱۹. سالاچاق: بمثابه ننو برای کودکان به کار می رود.
۲۰. سواستیقا: طرح خاج تزئینی، اغلب در فرش های ترکمن.
۲۱. قوشمن (Ghoshmen): واژه ترکمنی برای نماد ترکمنی، چینی و تبت است.
۲۲. گول (Göl): علامت و نشان قبیله ای ترکمن و عنصر طرح عمده فرش ترکمن.
۲۳. گؤل (Gül): واژه فارسی گُل.
۲۴. گؤل ایدی (Gülaidi): طرح و نقش کوچک ترکمنی با کاراکتری جادویی.
۲۵. هاچ (خاج): ضمیمه طرح در شکل خاج در فرش ترکمن.
۲۶. هاچ لی (خاج لی): فرشی با موتیف خاج برای پرده در ورودی یورت (چادر) به کار می رود.
۲۷. هالی: واژه ای ترکی که به فرش گفته می شود.
۲۸. کیبیتاک (Kibitak): بند زینتی یورت ترکمنی.

۲۹. یولامی (Yolami): واژه ترکمنی. برای نوار و تسمه یورت (چادر) بکار می رود. مترادف، بو (Bou)، کیبی تکه- کیبی تاک (Kibitke) و یوپ (Yup) است.
۳۰. مملوک: خاندان ترک- چرکز در قاهره. (۱۵۱۷-۱۲۵۰)

منابع

۱. ترکمنهای جهان، مراددوردیف، شهرات قادیرف، ترجمه امانگلدی ضمیر، انتشارات درخت بلورین، تهران چاپ اول ۷۹.
۲. فرشهای ترکمنی، بوگولیوبوف، ترجمه ناز دیبا خزیمه علم، تهران موزه فرش ایران ۱۳۵۶.
۳. نقشهای قالی ترکمن و اقوام همسایه، علی حصوری، انتشارات فرهنگان، چاپ اول ۱۳۷۱.
۴. نیاز جان و فرش ترکمن، ذبیح الله بداغی، انتشارات فرهنگان، تهران، چاپ اول ۱۳۷۱.
۵. -Sotheby's guide to oriental carpets. Walter B. Denny, Afireside book published by Simon & Schuster ۱۹۹۴ New York
۶. -The Bulfinch guide to carpets. A Bulfinch press book, Little, Brown and Company .Boston, New York, London -۱۹۹۹
۷. -Tke Book of Carpets. Renhard G. Hubel. English translation published in ۱۹۷۱ by Barrie & Jenkins Ltd, London
۸. -Tribal & Village Rugs. Peter F. Stone. First published in ۲۰۰۴ in USA by Thames & Hudson Inc., New York